

نقدی بر ابعاد پنهان بسته جدید دولت برای حمایت از مستاجران

به نام مستاجر، به کام صاحبخانه

وام‌های جدید ۴۰۰ میلیون تومانی ودیعه مسکن، به جای کمک به مستاجران موجب افزایش قیمت در بازار اجاره‌نشینی می‌شود

صفحه ۳



هنرمندان انیمیشن در صف بیکاری
مدیران در اتاق تصمیم

صبای خاموش

آثار انیمیشن ایران با دوبله عربی
به کشورهای منطقه فروخته شده
اما حمایت داخلی از آنها کم‌رنگ است

صفحه ۵

زنان زیر بار سنگین موفقیت

● نتایج یک نظرسنجی از ۷۵۰ زن درباره فشارهای زندگی مدرن در آمریکانشان می‌دهد بسیاری از آن‌ها در حال فرسودگی‌اند، بی‌آنکه حتی خودشان متوجه باشند

● آزار جنسی، فرسودگی روانی، اضطراب و بار مسئولیت بی‌وقفه تنها بخشی از واقعیت‌های زنان موفق امروز است؛ زنانی که هنوز هم برای دیده شدن، باید بجنگند

یک قرن پیش، انتظار از زنان این بود که رویاهایشان را پشت درهای خانه دفن کنند. اگر هم پا به دنیای کار می‌گذاشتند، معمولاً در نقش‌هایی کم‌ارز و کم‌ارزش به کار گرفته می‌شدند و تقریباً هرگز در موقعیت‌های کلیدی یا تصمیم‌گیری قرار نمی‌گرفتند. اما اکنون، ماجرا به‌ظاهر تغییر کرده است.

زنان امروز نه تنها در نیروی کار حضور دارند، بلکه شرکت‌ها را اداره می‌کنند و تیم‌ها را رهبری. طبق آمار مرکز تحقیقات پیو، در ۲۹ درصد از ازدواج‌های کنونی، زن و مرد تقریباً درآمدی برابر دارند. اما با افزایش نقش‌ها، فشارها هم بیشتر شده است.

تعادل بین کار حرفه‌ای، مسئولیت‌های خانوادگی، اهداف شخصی و توقعات اجتماعی به یک معادله دشوار تبدیل شده؛ ترکیبی از موفقیت و فرسایش همزمان.

برای بررسی عمیق‌تر این مسئله، جیا لاکوا، مدیرعامل شرکت Elevate و متخصص رهبری زنان، ۷۵۰ زن از صنایع مختلف با سطوح درآمدی گوناگون را مورد مطالعه قرار داد. او به نیوزویک گفت که نتایج این پژوهش هم «تکان‌دهنده» و هم «نامیدکننده» بوده است.

زنان بین ۱۸ تا ۶۵ سال با درآمدهایی کمتر از ۲۰ هزار دلار تا بالای ۲۰۰ هزار دلار، در این نظرسنجی شرکت کردند. هدف لاکوا روشن بود: پرده‌برداری از مبارزات پنهان زنانی که در نظام «همه‌چیز را باید انجام بده» گیر افتاده‌اند.

او می‌گوید: «این سوالاتی بود که باعث شروع تحقیق شد: تلاش برای برتری در تمام عرصه‌های زندگی چه اثری بر سلامت روانی و احساس رضایت زنان می‌گذارد؟»

● از موفقیت تا خستگی مطلق

لاکوا، که پیش از این مدیر شرکتی بزرگ بوده، می‌گوید بارها الگویی تکراری دیده: «زنان موفق‌ی که به دنبال تعریفی از موفقیت بودند که اصلاً متعلق به خودشان نبود و در این راه، می‌سوختند.»

یافته‌های پژوهش، تصویری تلخ از واقعیت زنان مدرن ترسیم می‌کند: ۶۹ درصد احساس می‌کنند هرگز «به اندازه کافی خوب» نیستند ۷۵ درصد می‌گویند مجبورند در شرایط سخت لبخند بزنند و خودداری کنند.

۷۲ درصد بر این باورند که کمتر از شایستگی‌شان درآمد دارند. ۶۱ درصد درگیر فشار بی‌نقص بودن در نقش‌های مختلف (مادر، همسر، حرفه‌ای) هستند.

۴۶ درصد مرتباً احساس اضطراب دارند.

۵۴ درصد بیش از حد کار می‌کنند و نمی‌توانند از کار جدا شوند.

شوک آورترین نتیجه

لاکوا می‌گوید شوک‌آورترین و ناراحت‌کننده‌ترین یافته این

بود: ۴۷ درصد از زنان شاغل در آمریکا، آزار جنسی، تجاوز یا پیشرفت‌های ناخواسته را تجربه کرده‌اند. یعنی تقریباً نیمی از آن‌ها.

بر اساس مطالعه‌ای از شرکت مک‌کینزی و سازمان Lean In سال ۲۰۲۴، آزار جنسی در محل کار هنوز امری رایج است. حدود ۴ نفر از هر ۱۰ زن آن را در دوران کاری خود تجربه کرده‌اند.

لاکوا تأکید می‌کند: «زنان شاغل در حالت بقا گیر افتاده‌اند. مسئله فقط استرس یا فرسودگی شغلی نیست. این ماجرا روانی، جسمی و احساسی است. استرس مزمن و تروما در بدن باقی می‌ماند و با علائمی مثل بی‌خوابی، اضطراب، میگرن، خستگی و مشکلات گوارشی ظاهر می‌شود.»

او می‌افزاید: «وقتی زنان بیش از حد از خودشان می‌گذرند، از وجود خود فاصله می‌گیرند و نمی‌توانند به تمام ظرفیت‌هایشان دست یابند. این فقط بحران فردی نیست، یک بحران فرهنگی است.»

● وقتی خستگی، عادی می‌شود

شاید نگران‌کننده‌ترین نکته همین باشد: «زنان بسیاری در شرایطی فلج‌کننده زندگی می‌کنند، اما حتی متوجه نیستند. آن‌ها به خستگی عادت کرده‌اند. چون هنوز می‌توانند ظاهر قضیه را حفظ کنند، کسی شک نمی‌کند؛ نه اطرافیان و نه خودشان. اما اجرای خوب، به معنای شکوفایی نیست.»

● فشار برای «همه‌چیز را انجام بده» بودن

لاکوا می‌گوید: «ما باور کردیم که می‌توانیم همه‌چیز را انجام بدهیم — با انگیزه‌ای که از جنبش‌های توانمندسازی زنان گرفته بودیم. اما در طول مسیر، این ایده به یک اجبار تبدیل شد: باید همه‌چیز را انجام دهیم. کامل. بدون کمک. بدون وقفه.»

طبق تحقیق مرکز پیو، حتی در ازدواج‌های برابر، زنان حدود ۲/۵ ساعت بیشتر در هفته کارهای خانه را انجام می‌دهند. حتی وقتی تنها نان‌آور خانه هستند، نقش شوهر در خانه تغییر چندانی نمی‌کند.

لاکوا بر این باور است که باورهای فرهنگی ما را به سمتی برده‌اند که استراحت را تبیلی بدانیم و مشغله را ارزش تلقی کنیم. این که ارزش انسان به دستاوردهایش وابسته است، باوری عمیق اما خطرناک است.

او زنان را دعوت به بازاندیشی می‌کند: «مکث کنید. فکر کنید. دوباره بسنجید که واقعا چه می‌خواهید. آینده‌ای که به سمت آن می‌روید، آیا همان آینده‌ای‌ست که برای خودتان می‌خواهید؟»



روایت استیون سودر رگ از کیف سیاه

تعمق زیرکانه در اسرار دروغ و خیانت

صفحه ۴

داستان ندریچه، روایتی ترسناک از زن‌ستیزی
ساخترمند در دنیایی نه‌چندان دور از ما

سرنوشت زنان در جهانی بی‌رحم

داستان ندریچه دیگر از تخیل دور شده و شباهت زیادی
به واقعیت پیدا کرده است صفحه ۱۲

اثر لاتِه؛ زنگ خطر برای حساب بانکی ما

قهوه‌ای که آینده‌ات را می‌بلعد

اثر لاتِه به ما نشان می‌دهد که خرج‌های کوچک چگونه
می‌توانند زندگی مالی‌مان را نابود کنند صفحه ۳

ماجرای نامه ترامپ، ادعای حضور ایلان ماسک در پروژه‌های
ایران و هیاهوی سرمایه‌گذاری کلان در کشور

ماسک ایران را فالو می‌کند

صفحه ۲

سفری به شادترین کشور جهان با خنده‌های پنهان

آیا فنلاند واقعاً کشور شادی است؟

صفحه ۱۰

غیبت پرسش‌برانگیز ایران در اکسپوی ۲۰۲۵ ژاپن؛
المپیک فرهنگ ملل

جهان روبه جلومی‌رود و معطل ما نخواهد شد



افشین امیرشاهی

سردبیر

جزیره یوشیمیما در اوساکی ژاپن، شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ شاهد صحنه‌ای از گردهمایی ملت‌ها بود؛ جایی که اکسپو ۲۰۲۵، رویدادی که آن را «المپیک فرهنگ ملل» می‌نامند، با حضور ۱۶۰ کشور جهان افتتاح شد. جهان آمده بود تا درباره آینده حرف بزند، فرهنگش را به نمایش بگذارد، نوآوری‌هایش را بفروشد و رویاهایش را بفربعد. تنها یک صندلی خالی چشم‌ها را می‌زد؛ صندلی ایران.

برگزارکنندگان اکسپوی ژاپن تأکید دارند در این دوران پرتنش، برگزاری چنین رویدادی برای گفت‌وگوی جهانی ضروری است. آنها عقیده دارند این نمایشگاه فرصتی است تا با وجود تمامی مشکلات جهانی، کشورها دور هم جمع شوند و به گفت‌وگو بپردازند. نکته مهم برای ما انصراف کشورمان از حضور در این رویداد بین‌المللی است.

اقدامی که برخی آن را فرصت‌سوزی دیپلماتیک می‌دانند. تصور کنید یک تاجر بین‌المللی که شاید بارها نام ایران را شنیده اما فرصت بررسی و همکاری نداشته، مشتاق است از تاریخ کهن و پیشرفت‌های امروزی ما بیشتر بداند. اما به‌جای فرشی که هزاران نخ از تمدن ما را به تصویر بکشد یا محصولاتی که از دل نوآوری جوانانمان برآمده، تنها با غیاب ما روبه‌رو می‌شود. این غیاب چیزی فراتر از سکوت است؛ نشانه‌ای از ناهماهنگی در برنامه‌ریزی، نبود نگاه راهبردی و شاید کم‌اهمیت شمردن پتانسیل‌های جهانی.

اکسپو اوساکا که با شعار «طراحی جامعه آینده برای زندگی بشر» بر گزار می‌شود، جایی است که کشورها نوآوری‌های علمی، فناوری، محیط‌زیستی و فرهنگی خود را عرضه می‌کنند. سه محور «تجارت زندگی»، «توانمندسازی» و «پیوند زندگی» در مرکز این رویداد است. نمایشگاهی با وسعت ۱۵۵ هکتار و پیش‌بینی بیش از ۲۸ میلیون بازدیدکننده که کشورها از آن به‌عنوان سکوی برای قدرت‌نمایی نرم استفاده می‌کنند.

دستی‌اش، به‌دنبال بازارهای جدید رفت.

اما ایران؟ کشوری که در لبه تحریم‌ها نفس می‌کشد، بیش از همه به ارتباطات بین‌المللی نیاز دارد. در حالی که همین کشورها، اکسپو را فرصتی برای بسط نفوذ فرهنگی و اقتصادی خود می‌دانند، ایران ظاهراً تصمیم گرفته از پنجره باز جهان، فقط نظاره‌گر باشد.

نبود ایران در این رویداد زمانی دردناک‌تر می‌شود که کشورهای همسایه، یکی پس از دیگری سعی در تصاحب سهم بیشتری از تعاملات جهانی دارند. عربستان سعودی با برنامه‌های «چشم‌انداز ۲۰۳۰»، امارات با سرمایه‌گذاری در گردشگری و علم و حتی قطر با دیپلماسی رسانه‌ای‌اش، به‌دنبال آنند که در صحنه جهانی اثرگذار باشند.

ایران اما، با وجود ظرفیت‌های چشمگیر در حوزه‌های زیست‌محیطی، فرهنگ، تاریخ، تکنولوژی و هنر، تصمیم گرفته غیبت کند؛ غیبتی که شاید سال‌ها بعد، وقتی دیگران سود سرمایه‌گذاری امروزشان را می‌برند، حسرتش بیشتر حس شود.

اکسپو به‌ویژه در بخش‌هایی مانند گردشگری، انرژی و صنایع دستی، محلی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. بسیاری از کشورها از این فرصت برای معرفی بخش‌های مختلف اقتصادی خود به سرمایه‌گذاران جهانی استفاده می‌کنند. نبودن ایران در این رویداد نه تنها فرصتی برای معرفی ظرفیت‌های صنعتی و تجاری خود از دست می‌رود بلکه این کشور از جذب سرمایه‌های خارجی در حوزه‌های مختلف اقتصادی نیز محروم می‌شود. اکسپو در عین حال بستری برای گفت‌وگو و تعامل با سایر کشورها است که می‌تواند به گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کمک کند.

از این نگاه، اکسپو ژاپن می‌توانست آغازگر مسیری تازه برای حضور هوشمندانه ایران در عرصه جهانی باشد. از دانش بنیان‌ها گرفته تا گردشگری سلامت، از صنایع فرهنگی تا انرژی‌های تجدیدپذیر، ایران می‌توانست صدای متفاوتی باشد در این سمفونی جهانی. سوال اینجاست که آیا در غیبت ایران، دنیا متوقف خواهد شد؟ قطعاً نه. آیا این غیبت، برای ما خسارت دارد؟ قطعاً بله. خسارتی که فقط مالی نیست، بلکه اعتبار، فرصت، مشارکت و داستان‌هایی است که می‌توانستیم تعریف کنیم و نگرسیم.

اکسپو ژاپن تنها یک فصل از کتاب فرصت‌های بین‌المللی است. هنوز دیر نشده که برای فصل‌های بعدی آماده شویم. برای این که روزی نرسد که صندلی ما در المپیک فرهنگ ملل، همیشه خالی بماند. باید دوباره فکر کنیم: به روایت‌هایمان، به توانایی‌هایمان، به جایگاهمان در جهان. چون جهانی که دارد برای آینده طراحی می‌شود، منتظر ما نخواهد ماند.





گزارش

گاردین از بازگشت دیپلماسی میان تهران و واشنگتن خبر می‌دهد

مذاکراتی در سایه،

امیدی در آفتاب

نگاهی به یادداشت دیپلماتیک پاتریک وینتور در گاردین

۲۰۲۵ آوریل ۲۰

در شرایطی که تنش‌ها در خاور میانه بار دیگر به اوج خود رسیده، ایران و آمریکا بدون هیاهو و در سکوتی محتاطانه، نخستین دور مذاکرات غیرمستقیم را در مسقط عمان آغاز کردند. گفت‌وگوهایی که در ظاهر ساده اما در باطن پیچیده و پر مخاطره‌اند. پاتریک وینتور، روزنامه‌نگار باسابقه و سردبیر دیپلماسی روزنامه گاردین، در گزارشی دقیق و تحلیلی، جزئیات و زوایای تازه‌ای از این مذاکرات را به ما نشان می‌دهد.

او در این یادداشت، تصویری از فضای گفت‌وگوها، بازیگران اصلی و موانع بالقوه ترسیم می‌کند؛ تصویری که هم نشانه‌ای از احتیاط است و هم نشانه‌ای از امید.

گام نخست در مسقط؛ مذاکرات غیرمستقیم

اما امیدوارکننده

ایران و آمریکا، پس از سال‌ها تقابل، حالا تصمیم گرفته‌اند مسیر جدیدی را امتحان کنند: گفت‌وگوهایی غیرمستقیم، با میانجی‌گری عمان. این مذاکرات با حضور عباس عراقچی از سوی ایران و استیو وینکاف، نماینده ویژه ترامپ، در اتاق‌های جداگانه و با رفت‌وآمد وزیر خارجه عمان انجام شده است.

وینتور می‌نویسد: «اگر ترامپ خواهان برچیدن کامل برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران می‌شد، مذاکرات همان لحظه اول به بن‌بست می‌رسید.» اما چنین نشد. چراکه به نظر می‌رسد ترامپ به‌دنبال نسخه‌ای به‌روز شده از توافق ۲۰۱۵ است، توافقی که خودش در سال ۲۰۱۸ آن را کنار گذاشت.

عباس عراقچی به لحنی دیپلماتیک اما روشن، مذاکرات را «سازنده و محترمانه» خواند و گفت دوطرف «واقعاً قصد توافق دارند». همین واژگان ساده، شاید نقطه تفاوت مهم این دور از مذاکرات با تلاش‌های پیشین باشد.

وینکاف؛ مهره‌ای غیرتکنوکرات اما مورد اعتماد ترامپ

یکی از نکات جالب یادداشت وینتور، تمرکز او بر شخصیت استیو وینکاف است؛ فردی که تخصص فنی در زمینه مسائل هسته‌ای ندارد اما ظاهر آ از اعتماد کامل ترامپ برخوردار است. انتخاب چنین شخصی شاید در نگاه اول عجیب به‌نظر برسد اما دقیقاً در راستای سبک معاملاتی و شخصی ترامپ است: تکیه بر حس سیاسی، نه بروکراسی.

دغدغه‌ها و ملاحظات ایران؛ از غنی‌سازی تا شآن ملی

پاتریک وینتور به‌درستی تأکید می‌کند که برای ایران، آنچه مهم‌تر از چگونگی مذاکره است، محتوای مطالبات آمریکاست. توقف کامل غنی‌سازی، پایان حمایت از گروه‌های مقاومت منطقه‌ای و بازگشت کامل به چارچوب بازرسی‌های آژانس، همگی خطوط قرمزی هستند که تهران هنوز حاضر به عبور از آنها نیست. در این میان، شرط ایران برای غیرمستقیم‌بودن مذاکرات تا زمانی که تحریم‌ها پابرجاست، اقدامی برای حفظ شآن دیپلماتیک و داخلی به‌شمار می‌رود.

ترامپ؛ مذاکره‌گری با لحن نرم‌تر اما انگیزه‌های قوی‌تر

در بخشی از یادداشت، وینتور به تغییر لحن ترامپ اشاره می‌کند. رئیس‌جمهوری که روزگاری با تهدید و تحریم، راه گفت‌وگو را بسته بود، حالا می‌گوید: «من خواسته زیادی ندارم، فقط نمی‌خواهم آنها سلاح هسته‌ای داشته باشند. می‌خواهم ایران کشوری بزرگ و خوشحال باشد.» این تغییر لحن، شاید نشانه‌ای از واقع‌گرایی سیاسی در کمپین انتخاباتی ترامپ باشد. آمریکا در جنگ اوکراین و بحران غزه، شکست‌های نمادینی خورده و اکنون بیش از هر زمان دیگری به دستاوردی دیپلماتیک نیاز دارد.

مسیری دشوار اما قابل عبور

نکته کلیدی یادداشت وینتور این است: پیشرفت در مذاکرات وابسته به مدیریت حواشی است نه فقط متن توافق. تهدیدهای اسرائیل، فشار تندروها در ایران و آمریکا و ضرب‌الاجل اروپا برای بازگشت تحریم‌ها، همگی متغیرهایی هستند که می‌توانند این روند شکننده را از مسیر خارج کنند. اما در سوی دیگر، تمایل دو طرف برای حفظ گفت‌وگو، فضای مثبت ایجادشده و نقش هوشمندانه عمان به‌عنوان میانجی، نشانه‌هایی از امید را زنده نگه داشته‌اند.

در دنیای دیپلماسی، گاهی مهم‌ترین تحولات در سکوت رخ می‌دهند. شاید گفت‌وگوهای عمان یکی از همان لحظات باشد. مذاکراتی در سایه اما شاید به‌زودی با آفتاب توافق بدرخشند.

ماجرای نامه ترامپ، ادعای حضور ایلان ماسک در پروژه‌های ایران و هیاهوی سرمایه‌گذاری کلان در کشور

ماسک ایران را فالو می‌کند

از ماسک تا مسقط

تجاری ایران و آمریکا ۱۵ برابر شد. آمریکای آن سال‌ها در سایه جنگ سرد و مقابله با نفوذ شوروی در خاورمیانه، روابط اقتصادی با ایران را برای تقویت و تثبیت جایگاه خود در منطقه و دسترسی به منابع نفتی ایران تا حد قابل توجهی ارتقا داد. در این سو ایران که در حال صنعتی‌سازی و توسعه بود نیز از چنین رابطه‌ای استقبال می‌کرد. و وقوع انقلاب اما همه چیز فرو ریخت. آن پیوند محکم اقتصادی چنان از هم گسست که گویی هرگز نبوده است. به سرعت سطح روابط تجاری میان ایران و آمریکا به صفر رسید و در تمام این ۴۶ سال نیز صفر باقی ماند. حتی در فرصت کوتاه برجام که شرکت‌های اروپایی و آسیایی آماده عزیمت به ایران شدند، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران آمریکایی به دلیل باقی‌ماندن تحریم‌های ثانویه آمریکا عملاً امکانی برای مشارکت و سرمایه‌گذاری در ایران پیدا نکردند. چرخش مواضع ایران درباره سرمایه‌گذاری آمریکایی به‌رغم این پیشینه، سوال برانگیز شده است.

لیکن این آرزویی بیش نیست؟ شماری از تحلیلگران اشاره می‌کنند که شاید رقابت با چین راهگشا باشد و به آمریکا این انگیزه را بدهد که برای مهار چین، بسته‌ای از روابط اقتصادی با ایران را تعریف کند. در مقابل اما برخی با راجع به روابط تجاری آمریکا با خاورمیانه یادآوری می‌کنند که واشنگتن در توافقاتش با کشورهای منطقه از جمله امارات و عربستان متمرکز بر جذب سرمایه است، نه سرمایه‌گذاری؛ از این رو باز کردن راه سرمایه‌گذاری در ایران وسوسه‌ای در آمریکا برنخواهد انگیزت.

از سوی دیگر ریسک سرمایه‌گذاری به دلیل احتمال بازگشت تحریم‌ها یا تغییر سیاست در ایالات متحده و موانع حقوقی، حصول چنین توافقی را بسیار دور از دسترس می‌کند؛ آن هم با عدد بزرگ و غیرقابل باور هزار میلیارد دلار. عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی دولت حسن روحانی در همین باره در ایکس نوشته است: «همه ما خوشحال می‌شویم که سیل سرمایه‌گذاری خارجی به سوی ایران سرازیر شود، لیکن این آرزویی بیش نیست.»

او با اشاره به اینکه ریسک سرمایه‌گذاری در ایران در حال حاضر ب، یعنی بالاترین ریسک ممکن است، افزوده: «ایجاد انتظار برای جلب سرمایه پس از توافق احتمالی، همان بلایی را بر سر این توافق خواهد آورد که بر سر برجام آورد.» با وجود تمام این تحلیل و گمان‌ها، دیپلمات‌ها اما گویا تلاش دارند در مذاکره با مردان تاجر آمریکا، قفل سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را باز کنند؛ باید منتظر ماند و دید که هفته‌های آتی در چمدان‌هایشان چه با خود خواهند آورد.

به نظر می‌رسد دولت روی این گزینهِ و دیپلماسی اقتصادی با آمریکا حساب زیادی باز کرده است. فیاض زاهد، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت با این تأکید که ایران بهشت سرمایه‌گذاری است و با اشاره به پیشنهاد جامع هزار میلیارد دلاری در ایکس نوشت که «پزشکیان موضوع را با رهبری مطرح و مجوز را گرفت و در آینده جزئیات

نمی‌رسد که بدون هماهنگی با سطوح بالای حاکمیتی بوده باشد.

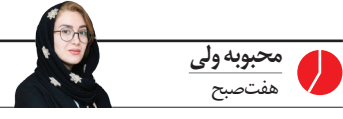
پس از آنکه علی لاریجانی به عنوان مشاور رهبر انقلاب، در تلویزیون و شبکه ایکس تأکید کرد که «آمریکا می‌تواند منافع اقتصادی با ایران تعریف کند» و ترامپ را فرد بالاستعدادی خواند که «توانسته در تجارت خود اینقدر پولدار شود»، عباس عراقچی نیز دو روز پیش از آنکه پای میز مذاکره در عمان برود، طی یادداشتی در واشنگتن پست نوشت: «بسیاری در واشنگتن، ایران را از منظر اقتصادی کشوری بسته‌تصور می‌کنند. اما واقعیت آن است که ایران به‌طور کامل برای حضور فعال شرکت‌ها و کسب‌وکارهای بین‌المللی باز است. این محدودیت‌ها نه از جانب ایران، بلکه از سوی دولت‌های ایالات متحده و موانع تحمیل‌شده توسط کنگره بوده‌اند که شرکت‌های آمریکایی را از ورود به بازار ایران، بازاری با فرصت‌هایی در مقیاس تریلیون دلاری، باز داشته‌اند.»

از نهایت مسعود پزشکیان در مراسم روز ملی فناوری هسته‌ای از موافقت رهبری با سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها خبر داد و با این توضیح که «من هر هفته بارها و بارها خدمت مقام معظم رهبری هستم»، تأکید کرد که «ایسان با سرمایه‌گذار آمریکایی در کشور هیچ گونه مخالفتی ندارند.»

اظهارات او در حالی بود که پیش از این صدور چنین اجازه‌ای سابقه نداشته است و حتی رهبری سال ۹۴، طی یک سخنرانی با بیان اینکه مقامات آمریکایی در برجام قصد داشته‌اند راهی برای نفوذ در کشور پیدا کنند، تأکید کردند که «نه نفوذ اقتصادی آمریکا به کشور را اجازه خواهیم داد و نه نفوذ سیاسی و فرهنگی را.»

البته نفوذ با سرمایه‌گذاری متفاوت است اما به هر حال چنین تأکیدی از سوی ایران برای سرمایه‌گذاری آمریکایی پیش از این وجود نداشته است.

ایران و آمریکا پیش از انقلاب ۱۳۷۹ قبل از انقلاب ۱۳۷۹، ایران و آمریکا یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری یکدیگر بودند. سطح سرمایه‌گذاری‌ها و روابط تجاری دو طرف به میلیاردها دلار می‌رسید؛ به ویژه پس از کودتای ۱۳۵۳ این رابطه در سیری صعودی تا جایی پیش رفت که تنها در طول ده سال منتهی به انقلاب ۵۷، حجم مبادلات



محبوبه ولی

هفت‌صبح

خبرهای تأیید نشده و بدون منبع درباره سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران و به صف کردن شرکت‌های آمریکایی برای ورود به ایران تمامی ندارد!

همزمان با مذاکرات عمان، اخبار غیرقابل تأییدی به نقل از رسانه‌های آمریکایی در فضای مجازی منتشر شد مبنی بر اینکه «هدف اصلی ترامپ از مذاکره با ایران بحث هسته‌ای نیست، بلکه خارج کردن بازار ایران از انحصار چین است.»

خبر مذکور اضافه می‌کرد که «ترامپ می‌خواهد انحصار بازار ایران را از چنگ چین درآورد و همچنین به شدت علاقه‌مند است تا منابع ایران را از طریق تجارت با این کشور به دست بیاورد.»

یک نقل قول فیک از ایلان ماسک هم به این خبر اضافه شد با این مضمون که «آماده یک سرمایه‌گذاری تاریخی در ایران هستم و ایران به زودی ثروتمندترین کشور آسیا خواهد شد.» گزارش‌هایی نیز دست به دست می‌شوند با این ادعا که ایالات متحده در نظر دارد در صورت امضای توافق با تهران، اجازه سرمایه‌گذاری غول‌های فناوری در

ایران را بدهد.

منابع چنین خبرهایی اما

یک مجوز بی سابقه

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات

سیاسی تراز اول کشور مطرح شد و به نظر

تا اینجا کار آنچه با قطعیت می‌توان درباره آن مطمئن بود، اعلام آمادگی ایران است؛ اعلامی که از نسوی مقامات



عکس از فاطمه بهرامی/خبرگزاری آنا تویی

توسعه‌یافتگی برای ایران، بدون تردید نام مقام معظم رهبری به عنوان هدایت‌کننده ایران به این شرایط امن و توسعه‌یافته در تاریخ ثبت خواهد شد.

اما تهدیدهای احتمالی صلح معمارانه در شرایط کنونی چیست؟

اسرائیل غاصب جنگ‌طلب که در رویای ویرانی زیرساخت‌های صنعتی ایران است، یک تهدید بالقوه برای صلح معمارانه ایرانی است. برخی از کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای که از قضا همسایه ایران نیز هستند، تهدیدی برای صلح معمارانه هستند. اپوزیسیون برانداز که به قیمت تضعیف ایران عطش کسب قدرت دارند، تهدیدی برای صلح معمارانه هستند. کاسبان تحریم‌ها که طی این سال‌های دشوار و سختی برای ایرانیان به مال و مکت نامشروع رسیدند، تهدیدی برای صلح معمارانه هستند.

و انگلیس) را متعهد به احترام و به‌رسمیت شناختن تمامیت ارضی کشور و خروج از ایران پس از پایان جنگ نمود. اما با پایان جنگ، شوروی دو استان آذربایجان و کردستان را در اشغال ارتش سرخ نگه داشت. احمد قوام با استفاده از شرایط جنگ سرد و شکاف آمریکا/ شوروی با یک قرارداد، استالین را فریب داد و آذربایجان و کردستان را از زیر آوارهای خرس روسی رهایی بخشید و به این ترتیب، دومین افق گشایی در بحران برای ایرانیان رقم خورد و استقلال کشور حفظ گردید. به نظر می‌رسد پس از نیم قرن خصومت آمریکا/ ایران، تغییری محسوس در خصوص سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوسته و این قدرت جهانی مایل به حل مشکلات خویش با ایران در یک فرآیند مذاکراتی شده است. بنابراین، در ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ با آغاز مذاکرات این دو کشور، فرصتی

و انگلیس) را متعهد به احترام و به‌رسمیت شناختن تمامیت ارضی کشور و خروج از ایران پس از پایان جنگ، شوروی دو استان آذربایجان و کردستان را در اشغال ارتش سرخ نگه داشت. احمد قوام با استفاده از شرایط جنگ سرد و شکاف آمریکا/ شوروی با یک قرارداد، استالین را فریب داد و آذربایجان و کردستان را از زیر آوارهای خرس روسی رهایی بخشید و به این ترتیب، دومین افق گشایی در بحران برای ایرانیان رقم خورد و استقلال کشور حفظ گردید. به نظر می‌رسد پس از نیم قرن خصومت آمریکا/ ایران، تغییری محسوس در خصوص سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوسته و این قدرت جهانی مایل به حل مشکلات خویش با ایران در یک فرآیند مذاکراتی شده است. بنابراین، در ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ با آغاز مذاکرات این دو کشور، فرصتی

و انگلیس) را متعهد به احترام و به‌رسمیت شناختن تمامیت ارضی کشور و خروج از ایران پس از پایان جنگ، شوروی دو استان آذربایجان و کردستان را در اشغال ارتش سرخ نگه داشت. احمد قوام با استفاده از شرایط جنگ سرد و شکاف آمریکا/ شوروی با یک قرارداد، استالین را فریب داد و آذربایجان و کردستان را از زیر آوارهای خرس روسی رهایی بخشید و به این ترتیب، دومین افق گشایی در بحران برای ایرانیان رقم خورد و استقلال کشور حفظ گردید. به نظر می‌رسد پس از نیم قرن خصومت آمریکا/ ایران، تغییری محسوس در خصوص سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوسته و این قدرت جهانی مایل به حل مشکلات خویش با ایران در یک فرآیند مذاکراتی شده است. بنابراین، در ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ با آغاز مذاکرات این دو کشور، فرصتی

و انگلیس) را متعهد به احترام و به‌رسمیت شناختن تمامیت ارضی کشور و خروج از ایران پس از پایان جنگ، شوروی دو استان آذربایجان و کردستان را در اشغال ارتش سرخ نگه داشت. احمد قوام با استفاده از شرایط جنگ سرد و شکاف آمریکا/ شوروی با یک قرارداد، استالین را فریب داد و آذربایجان و کردستان را از زیر آوارهای خرس روسی رهایی بخشید و به این ترتیب، دومین افق گشایی در بحران برای ایرانیان رقم خورد و استقلال کشور حفظ گردید. به نظر می‌رسد پس از نیم قرن خصومت آمریکا/ ایران، تغییری محسوس در خصوص سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوسته و این قدرت جهانی مایل به حل مشکلات خویش با ایران در یک فرآیند مذاکراتی شده است. بنابراین، در ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ با آغاز مذاکرات این دو کشور، فرصتی

نقدی بر ابعاد پنهان بسته جدید دولت برای حمایت از مستاجران

به نام مستاجر، به کام صاحبخانه

وام‌های جدید ۴۰۰ میلیون تومانی ودیعه مسکن، به جای کمک به مستاجران، موجب افزایش قیمت‌ها در بازار اجاره‌نشینی می‌شود



احترام قاضی
روزنامه‌نگار

رئیس جمهور، بسته‌ای برای حمایت از مستاجران تصویب کرده است. حبیب‌الله طاهر خانی، معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی با اعلام جزئیات این بسته، از اختصاص وام ودیعه، برنامه ساخت مسکن استیجاری و تامین مسکن برای کارکنان نهادها و صنایع خبر داده است. اما آیا این برنامه‌ها از فشار فرآینده اجاره‌نشینی می‌کاهند یا صرفاً به تثبیت شرایط موجود، آن هم به نفع صاحب‌خانه‌ها، منجر خواهند شد؟

وام‌هایی که سنگینی‌شان بر دوش مستاجر است
طاهر خانی در گفت‌وگو با تسنیم اعلام کرد: «در جلسه اخیر شورای عالی مسکن، پرداخت وام ۴۰۰ میلیون تومانی قرض‌الحسنه به اقشار تحت حمایت و همچنین ادامه پرداخت وام ودیعه به سایر مستاجران تصویب شد. برای این منظور، ۲۰۰ هزار میلیارد ریال (۲۰۰ درصد) اختصاص خواهد یافت.» در ظاهر، این تسهیلات مستاجران را برای پرداخت ودیعه یا اجاره‌بهای اولیه یاری می‌کند، اما منتقدان معتقدند پرداخت وام بدون مداخله در سمت عرضه و تقاضای بازار، منجر به افزایش قیمت‌ها و در نهایت سود بیشتر موجران خواهد شد. تجربه وام‌های مشابه در سال‌های گذشته نشان داده که پس از اعلام چنین طرح‌هایی، نرخ اجاره‌بها به سرعت با میزان وام اعلامی همگام شده و علما مستاجران بدهکارتر و صاحبخانه‌ها منتفع‌تر می‌شوند.

ادامه نگاه سازمانی به مسکن

بخش دیگری از بسته، به ساخت مسکن سازمانی برای پرسنل فراجا و کارکنان صنایع بزرگ اختصاص دارد. طاهر خانی اعلام کرد: «تامین مسکن برای کارکنان نهادهای نظامی و صنایع بزرگ با مشارکت همان نهادها در اولویت قرار گرفته است.» این شیوه که سال‌ها در ایران رواج داشته، از منظر عدالت اجتماعی محل سوال است. زیردست‌رسی به مسکن را به شواغلان نهادهای خاص محدود می‌کند و منابع عمومی را به جای بهره‌مندی همگانی، صرف حمایت از گروه‌هایی می‌کند که پیشاپیش مزایای ساختاری بیشتری دارند. در شرایطی که مستاجران معمولی در حاشیه شهرها دست‌به‌گریبان اجاره‌های نجومی‌اند، چنین نگاه تبعیض‌آمیزی می‌تواند شکاف طبقاتی در حوزه مسکن را تعمیق کند.

غیبت ابزارهای موثر

از مهم‌ترین نقدهایی که کارشناسان به این بسته وارد می‌دانند، نبود سیاست‌های مالیاتی در آن است. مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر املاک دوم و سوم و کنترل سوداگری زمین از جمله سیاست‌هایی هستند که در سایر کشورها برای مدیریت بازار مسکن، به‌ویژه بخش اجاره، به کار می‌روند. اما در بسته اخیر، چنین سیاست‌هایی جایگاهی ندارند. همچنین خبری از حمایت از نهادهای اجاره‌داری حرفه‌ای، تعاونی‌های اجاره‌نشینی یا ایجاد

صندوق‌های اجاره نیست. در واقع، بسته بیشتر به سیاست‌های مسکن‌ساز و وام‌محور متکی است تا اصلاح ساختار بازار اجاره.

سیاستی کوتاه‌مدت برای مسئله‌ای بلندمدت

اگرچه معاون وزیر راه و شهرسازی، محورهای اعلام‌شده را با نیت تسکین بحران فعلی مستاجران معرفی می‌کند، اما واقعیت آن است که بسته فعلی یک راه‌حل کوتاه‌مدت برای یک مسئله مزمن و ساختاری است. بدون مداخله جدی در سمت عرضه و تقاضا، ایجاد نهادهای پایدار در بازار اجاره و اصلاح نظام مالیاتی حوزه مسکن، نمی‌توان انتظار داشت که این تسهیلات به کاهش قیمت یا بهبود شرایط زندگی مستاجران منجر شود.

حمایت یا تثبیت وضع موجود؟

بسته جدید وزارت راه و شهرسازی در ظاهر با هدف حمایت از مستاجران تنظیم شده، اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که نه به توانمندسازی واقعی مستاجران منجر می‌شود و نه توازن بازار اجاره را به نفع مستاجران تغییر می‌دهد. این برنامه، در نهایت بیش از آن که به نفع مستاجران باشد، به افزایش اطمینان موجران از تقاضای پایدار برای واحدهای گران‌قیمت کمک می‌کند. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان معتقدند این سیاست‌ها، بیش از آنکه مسکنی برای درد مستاجران باشند، ابزاری برای «تثبیت آرام‌نابرابری» در بازار مسکن ایران هستند.

صندوق‌های طلای بورسی زیر سایه کاهش دلار

آرامش بازار؛ فرصت یا هشدار؟

«در سوی دیگر بازارهای مالی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا نیز روزهای خاصی را سپری می‌کنند. با کاهش نرخ ارز و تحولات جزئی قیمت طلای جهانی، قیمت گواهی‌های سکه در بورس کالایز افت کرده و همین موضوع سبب شده ارزش خالص دارایی NAV صندوق‌های طلا پایین‌تر بیاید. در نگاه اول، این اتفاق به معنای رکود و بی‌رمقی در بازار طلاست؛ اما از زاویه دیگر، می‌توان آن را فرصتی برای خرید کمریسک در کف قیمتی در نظر گرفت. سرمایه‌گذاران محتاط می‌توانند در شرایط کنونی، واحدهای این صندوق‌ها را با انحرافی منفی نسبت به NAV خریداری کنند، یعنی در قیمتی

شاخص کل بورس تهران پس از یک دوره رکود و نوسانات فرسایشی، این روزها بار دیگر صعودی شده و توانسته از مرز ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار واحد عبور کند؛ سطحی که برای بسیاری از فعالان بازار، یک آستانه روانی مهم تلقی می‌شود. اکنون چشم‌ها به عبور از سقف تاریخی ۳ میلیون واحد دوخته شده؛ عددی که تاکنون تنها یک‌بار در تابستان ۱۳۹۹ آن هم در اوج تب بورس، لمس شده بود اما این بار وضعیت چگونه است؟ آیا بازار سرمایه ایران در آستانه یک صعود واقعی قرار دارد یا با تکرار خاطرات تلخ سقوط مواجه خواهیم شد؟

ورود نقدینگی تازه و معنادار از سوی سرمایه‌گذاران حقیقی: در حال حاضر، نقش حقیقی‌ها در رشد بازار همچنان محدود است و عمده تحرکات توسط بازیگران حقوقی صورت می‌گیرد. بدون اعتمادسازی عمومی و ورود سرمایه‌های خرد، تداوم رشد دشوار خواهد بود.

ثبات در بازار ارز و سیاست‌گذاری اقتصادی: نوسانات ناگهانی در نرخ ارز یا اتخاذ تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی در حوزه سیاست‌های پولی و مالی، بار دیگر بازار را به فاز بی‌اعتمادی بازمی‌گرداند.

خوش‌بینی‌ها و تردیدها

در شرایط کنونی، خوش‌بینی‌ها به رشد بازار عمدتاً بر پایه بهبود قیمت‌های جهانی، امید به کاهش فشارهای بین‌المللی و اصلاح نسبی در ساختار سیاست‌گذاری است. اما تردیدهای جدی است؛ به‌ویژه با توجه به کمرق بودن معاملات در بسیاری از نمادها، ضعف نقدشوندگی در برخی صنایع و ناهمگونی رشد شاخص با عملکرد عملیاتی شرکت‌ها. به بیان دیگر، بازار هنوز در مرحله‌ای قرار دارد که با هر خبر مثبت، رشد می‌کند و با هر ابهام، وارد فاز اصلاحی می‌شود. در چنین فضای، سرمایه‌گذاران باید با دقت و تحلیل بیشتری اقدام به خرید یا فروش کنند. البته مرور نقدینگی جدید به بازار توسط حقیقی‌ها که روز گذشته معادل ۴.۳ همت بود، نشان‌دهنده اشتیاق جدید برای فعالیت در بازار سرمایه تلقی می‌شود.

شاخص کل بورس تهران پس از مدتی رکود، بار دیگر روندی صعودی پیدا کرده و از ۲/۹ میلیون واحد گذشته. هدف بعدی بازار، عبور از سقف تاریخی ۳ میلیون واحد است که تنها یک‌بار در تابستان ۱۳۹۹ ثبت شده بود.

تفاوت ۱۴۰۴ با سال ۱۳۹۹

سال ۱۳۹۹: رشد شدید ناشی از تورم انتظاری، افزایش نقدینگی، مشارکت بالا.
سال ۱۴۰۴: شرایط باثبات‌تر، کاهش نسبی نرخ ارز، کنترل تورم، عدم هیجان عمومی گسترده.

بازار منتظر انتشار گزارش‌های مالی جدید شرکت‌ها برای تعیین مسیر بعدی است.



نکته

اثر لاته؛ زنگ خطر برای حساب بانکی ما

قهوه‌ای که آینده‌ات را می‌بلعد

اثر لاته به ما نشان می‌دهد که خرج‌های کوچک چگونه می‌توانند زندگی مالی‌مان را نابود کنند

ملک میرمهدی
هفت‌صبح



فرض کنید هر روز پیش از شروع کار، از کافه گوشه خیابان‌تان یک لاته سفارش می‌دهید. هزینه‌اش زیاد نیست؛ مثلاً ۵۰ هزار تومان. نه آنقدر گران که احساس گناه کنید، نه آنقدر ارزان که حسش نکنید. حالا این رقم را در روزهای کاری سال ضرب کنید. ۵۰ هزار تومان × ۲۲ روز کاری در ماه × ۱۲ ماه = حدود ۱۳ میلیون تومان در سال.

برای برخی، این عدد همچنان آنقدرها عجیب نیست؛ هزینه‌ای معمول برای لذت یا عادت روزانه. اما برای دیگری که به مفهوم «اثر لاته» (Latte Factor) آشنا هستند، این عدد چیزی فراتر از قیمت یک نوشیدنی گرم است. این عدد نماینده یک الگوی رفتاری است: تصمیم‌های مالی کوچک، تکراری، ناآگاهانه که در بلندمدت اثر بزرگ و گاهی تعیین‌کننده‌ای بر آینده مالی‌مان دارند.

اثر لاته از کجا آمد؟

«اثر لاته» مفهومی است که دیوید باخ، مشاور مالی و نویسنده مشهور آمریکایی، آن را در کتاب فروش خود با عنوان The Automatic Millionaire مطرح کرد. او نشان داد که بسیاری از افراد، نه به‌خاطر نداشتن درآمد کافی، بلکه به دلیل بی‌توجهی به خرج‌های کوچک، هرگز به استقلال مالی نمی‌رسند. او می‌پرسد: اگر هر روز یک لاته می‌خری، ولی هنوز برای بازنشستگی پس‌انداز نداری، واقعاً مشکل کجاست؟ باخ قصد نداشت نوشیدن قهوه را شیطان‌ی جلوه دهد. «لاته» در اینجا استعاره‌ای است از تمام هزینه‌هایی که به چشم‌مان نمی‌آیند؛ اشتراک‌های ماهانه بی‌استفاده، هزینه‌های حمل‌ونقل قابل اجتناب، ریزخرج‌های آنلاین و حتی «خرید درمانی»‌هایی که بیشتر از روی احساس انجام می‌شوند تا نیاز.

چرا این موضوع اهمیت دارد؟

به مسیرهای بزرگ موفقیت یا شکست می‌شوند. کافی‌ست آن ۱۳ میلیون تومان لاته را به جای هزینه روزانه، در یک حساب سرمایه‌گذاری با سود سالانه ۱۵ درصد بگذارد. در طول ۱۰ سال، این رقم بدون هیچ تلاش اضافی، به بیش از ۳۵ میلیون تومان تبدیل می‌شود. اگر این روند را در طول ۳۰ سال حفظ کنید، به صدها میلیون تومان خواهید رسید. نه با وام، نه با شانس، نه با اارتیه؛ فقط با تصمیم‌های کوچک آگاهانه. اگر آن را طلا یا دلار بخردی که رقم‌هایی بالاتر را شاهد خواهید بود.

مسئله فقط پول نیست؛ هویت است

نکته ظریف در اثر لاته این است که ما با خرج کردن، فقط پول از دست نمی‌دهیم؛ بلکه داستانی درباره خودمان می‌سازیم. هر خرید، هر پرداخت، نشانه‌ای است از آنچه درباره خودمان باور داریم. وقتی هر روز برای یک قهوه خاص هزینه می‌کنید، شاید فقط دنبال طعم قهوه نیستید؛ شاید دارید به خودتان یادآوری می‌کنید که «شخصی هستم که برای کیفیت ارزش قائل است». یا شاید این لاته، پاداشی است برای تحمل یک روز کاری سخت. اما همین داستان‌های شخصی، اگر بی‌توجه تکرار شوند، ممکن است شما را از آن چیزی که واقعاً می‌خواهید دور کنند: امنیت، آزادی، زمان یا آرامش بیشتر.

پس پرسش اساسی این نیست که آیا لاته بنوشم یا نه؟ بلکه این است که آیا انتخاب‌هایم آگاهانه هستند یا اتوماتیک؟

آیا باید همه چیز را قربانی کرد؟

نه. اثر لاته قرار نیست زندگی‌تان را از لذت‌های کوچک خالی کند. مسئله این نیست که از هر تفریح یا دل‌خوشی ساده بگذریم. بلکه نکته اصلی این است که هزینه‌های غیرضروری را بشناسیم، عادت‌های بی‌هدف را تشخیص دهیم و انتخاب‌هایی انجام دهیم که با ارزش‌ها و اهداف‌مان هم‌راستا باشند. شاید شما عاشق قهوه باشید و نوشیدنش یکی از لذت‌های اصیل روزتان باشد. در این صورت، شاید بهتر باشد از چیز دیگری صرف‌نظر کنید که کمتر برایتان معنا دارد. اثر لاته، شما را دعوت می‌کند به گفت‌وگو با خودتان؛ به بازبینی در تصمیم‌هایی که آنقدر کوچک‌اند که هیچ‌وقت مورد سؤال قرار نگرفته‌اند.

تصمیم‌های بزرگ از دل عادت‌های کوچک برمی‌آیند

زندگی‌مان را شانسایی کنیم؛ آن ریزه‌پزیه‌هایی که اگر کنار هم جمع شوند، می‌توانند آینده‌ای متفاوت بسازند. در نهایت، شاید موفقیت مالی، نه در یک شغل رویایی یا یک اتفاق خارقالعاده، تصمیم‌های کوچک خودمان باشد. شاید نتوانیم قیمت دلار یا نرخ بهره را تغییر دهیم اما می‌توانیم تصمیم بگیریم امسال چند بار بدون فکر پول خرج نکنیم. می‌توانیم «لاته»‌های

زندگی‌مان را شانسایی کنیم؛ آن ریزه‌پزیه‌هایی که اگر کنار هم جمع شوند، می‌توانند آینده‌ای متفاوت بسازند. در نهایت، شاید موفقیت مالی، نه در یک شغل رویایی یا یک اتفاق خارقالعاده، تصمیم‌های کوچک خودمان باشد. شاید نتوانیم قیمت دلار یا نرخ بهره را تغییر دهیم اما می‌توانیم تصمیم بگیریم امسال چند بار بدون فکر پول خرج نکنیم. می‌توانیم «لاته»‌های

عوامل محرک رشد اخیر

رشد قیمت جهانی کالاهای پایه (نفت، مس، آلومینیوم) بهبود ارزش صادرات غیرنفتی. سیاست‌های حمایتی دولت (عرضه پولی، کنترل نرخ بهره، تسهیل بازار بدهی). نکته کلیدی: ثبات به عنوان فاکتور جذابیت بازار سرمایه.

پیش‌نیازهای عبور از مرز ۳ میلیون ورود نقدینگی تازه از سرمایه‌گذاران حقیقی، نه فقط حقوقی. ثبات در بازار ارز و سیاست‌های کلان اقتصادی.



علی افتخاری
هفت صبح

از ۱۹۸۹ که اولین فیلم بلند سینمایی استیون سودربرگ، او را به عنوان یک کارگردان مهم معرفی کرد، یکی از دغدغه‌های همیشگی سینماگر آمریکایی، رازهای پیوسته است که آدم‌ها در خودنگه‌ی ما دارند و دروغ‌هایی می‌گویند- همه به یکران و همه به خودشان. این مضمون مداوم همه کارهاوش، او بوده‌است. از فیلم‌هایی با موضوع سرقت («زیر پر»، «بازده یار اوطن»، «وگان خوش شانس»، تا داستان‌های واقعی با لحین‌ها و سبک‌های مختلف («چه»، «خبر چی»، «بشت چلچراغ») و کمدی‌های سلفیسم‌محور و نامتعارف «اسکیز ویلس»، «طوفان قرانال»

بعداز ۳۶ سال فعالیت در دنیای سینما و ساخت بیش از ۳۰ فیلم بلند، ممکن است فکر کنید سودربرگ همه حرف‌های خود را در مورد این موضوع گفته است. او حالا «کیف سیاه» (Black Bay) بازگشته، یک تری پلر جاسوسی که شاید بر کانه تریون و خوش‌ساخت تریون تعمق او در اسرار، دروغ‌ها و خیانت تازه‌ی او باشد- فیلم یقیناً یکی از سرگرم‌کننده‌ترین آثار اوست.

«کیف سیاه»- بافی‌ارمانمای نوشته‌ی دیوید پ. راونی (از جرج، یک مامور اطلاعاتی بریتانیایی (مایکل فاینسدر)، است که می‌کوشد با تحقیق درباره پنج همکار خود- از جمله همسرش کاترین (کت بلانتلث)- پیغمده کلام یک زن از هاجان است. فیلم‌بر یک زوج متاهل صحرای می‌شود که عشق متقابل آن‌ها را نگاه دیگران نشانه آسیب‌پذیری است. اما در حقیقت، قدرت تعجب‌آور این دواژ آن ناشی می‌شود و در این مسیر یک گداز می‌بینید، هر تعلق و عمیقاً عاشقانه را به تصویر می‌کشد. فیلم‌نامه یک پیوسته را به مناسب با دل مشغولی‌های سودربرگ طراحی شده‌است و به قدری در مسیر مهارت کارگردان را پرآید. سرگرمی‌های هوشمندانه و مد روز برای بزرگسالان قرار دارد که شاید فکر کنید خوداود هم در نگارش متن نقش داشته‌است، اما سودربرگ می‌گوید فیلم‌نامه تا حد زیادی بر او آماده شده‌بود.

سینماگر ۵۶ساله جیم هفیل، تلر پخشگر سینما نوبسته ایندی‌وایر می‌گوید: «تنها در خواست من این بود که محل وقوع داستان از ایالات متحده به بریتانیا تغییر کند. دیوید که چهرای پنج‌سال در لندن زندگی کرد، داستان را تغییر استقبال کرد، به جز عوض کردن سطح معرفی‌فی، بازی به کار دیگری نبود، چون سازمان‌های اطلاعاتی در کشورهای غربی بگش‌ها و رویدادهای مشترک زیادی دارند»

یک صحنه شام ۱۲ صحنه‌ای

کپ و سودربرگ برای این که تماشاگر با حال و هوای فیلم بهتر یوگیرد صحنه‌ای را اضافه کردند که در آن جرج، چهره تفر از پنج مامور ایرانی صرف نشیبدین و بعد شام به خانه خود دعوت می‌کند و از این جاست که بازجوی‌های او به طور غیرعسی آغاز می‌شود. کارگردانی و بازیگری است. این سکاسین مملو از دیالوگ که به زیبایی فیلم‌سازی و تدوین شده‌است. داستان از نواحی بی‌بر و بی‌شده را تواناا می‌برد. رنگ جاسوسی و ماهیت از نواحی در هسته فیلم می‌کشند. سودربرگ به خوبی از این خطر آگاه‌بود که این صحنه به نوع فیلم‌برای و تدوین می‌توانست با یسنا پایش از حد خودماند. او می‌گوید: «دغدغه اصلی من این بود که در اینجا کسی نباید حرکت می‌کرد. این یک صحنه شام ۱۲ صحنه‌ای است. صحنه‌ای داشته‌اید، خودش به اندازه کافی کافی‌داست. اما این نکته که قرار نبود هیچ کس حرکت کند یا حتی بایستد و واقعاً معطل دامن می‌زد. قطعاً این چیزی نیست که داستانان استفاده می‌شود. شما را به انجام آن تشویق کنند. این که فیلم خود را به دو سکاسین شام طواری (یکی دیگر هم در نقطه اوج فیلم هست) قالب کنید که در آن شخصیت‌ها صندلی‌های خود چیده‌اند، اما می‌باید این جور کار‌ها را خوب انجام می‌دهد. پس کار من فقط این بود که دیوید که روید کرد کارگرانی بدون این که سکاسین مایمینی به نظر برسد این واقعیت را که شخصیت‌ها عملاً ساکن هستند، پنهان کنم.»

پایخ مشکلی سودربرگ تا حد زیادی در طراحی نماها با نگاهی به مرحله تدوین پیدا شد، جایی که ریم‌تیم‌ها به تغییر پویایی صحنه تغییر می‌کرد. اولین تغییر رویدر قابل ملاحظه در مقایسه با «حضور» فیلم قبلی سودربرگ است، یک فیلم تریسناک که از نگاه یک زوج روایت می‌شود و در آن هر صحنه یک برداشت نامکسنتی است. در «کیف سیاه» صحنه‌هایی مانند شام به قطعات بسیار دقیق و ظریف تقسیم شده‌اند تا تأکید در اماتیک پیدا کنند.

کارگردان برای رسیدن به هدف، صحنه را به بخش‌های کوچک تقسیم کرد تا هر آنچه‌ی خود پوشش دهد در عین حال بازیگران خود را خسته نکند. استفاده از دوربین‌های متعدد به کمک او، آمدن باین تریپ، سودربرگ می‌توانست زمان فیلم‌برای در صحنه را کاهش دهد و به قسمت بعدی برود.

او با اشاره به یکی از لذت‌های اصلی فیلم‌برای سکاسین شام می‌گوید: «وقتی بازیگرانی با این مهارت دارند لازم نیست نگران باشید دیالوگ‌های خود را فراموش می‌کنند. این هر صحنی است که شش بازیگر شگفت‌انگیز را (فاینسدر، بلانتلث، مارسیا ایلان، تامرک، ناولمی هریس و ژان-پیج) در اوج کارشان ببینید.»



استفاده مختصر و مفید از زائر جاسوسی

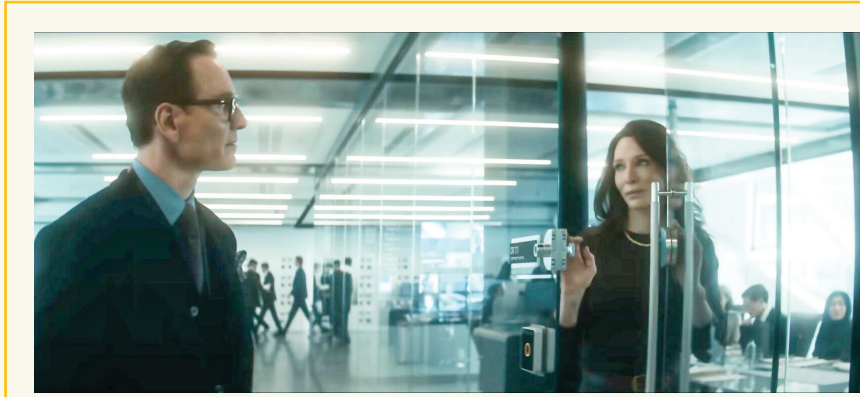
محیط بریتانیایی به شکل اجتناب‌ناپذیر بسیار او خاطر ات فیلم‌های جاسوسی قدیمی است. از «پرونده ایکس» (کاترین بلانتلث) تا تری کلدی بر «کیف سیاه» دارد. «میزنر خیاط سرباز جاسوس» گرفته تا فیلم‌های جیمز باند، سودربرگ و کپبه زیبایی از این آثار بهره می‌گیرند تا به فیلم خود یک قالب روایی چشمگیر ببندند.

مذت‌زمان «کیف سیاه» کمی بیش از یک ساعت و نیم است، اما فیلم به لطف توانایی فیلمسازان در استفاده مختصر و مفید از زائر جاسوسی، تراکم یک رمان فوق‌العاده را دارد. سودربرگ و کپ فرض را بر این می‌گذارند که شما به اندازه کافی فیلم‌های جاسوسی دیگر را دیده‌اید تا زمینه را درک کنید. بنابر این برای

روایت استیون سودربرگ از «کیف سیاه»

تعمق زیر کانه در اسرار دروغ و خیانت

«وقتی بازیگرانی با این مهارت دارند لازم نیست نگران باشید دیالوگ‌های خود را فراموش می‌کنند، این هر صحنی است که شش بازیگر شگفت‌انگیز را (فاینسدر، بلانتلث، مارسیا ایلان، تامرک، ناولمی هریس و ژان-پیج) در اوج کارشان ببینید.»



هنر

بازیگران چگونه انتخاب شدند

انتخاب بازیگران یک‌روش زیر کانه دیگر است که سودربرگ با آن به فیلم خود طنین بیشتری در رابطه با دیگر فیلم‌های جاسوسی می‌دهد. هریس در چند فیلم قبلاً ظاهر شده‌است و پیرس برازنان که خودش قبلاً نقش داشت بازی کرده‌در این قالب دیگر تبلیگر را تشدد در سازمان جاسوسی و رئیس جاسوسان مقابل دوربین رفته‌است.

سودربرگ می‌گوید: «فیلم ما از این واقعیت طفره نمی‌رود که روی شانه‌های خیلی از فیلم‌های جاسوسی دیگر اسپند است. به خصوص امیدوار بودم که می‌توانم در نقش طرف دیگر شخصیت باشد، فردی که در اصل باند را به میان می‌فرستد. استیجال کند، به نظر می‌رسد اما او ایده خوشش می‌آید و فکر می‌کند ایده‌آدیت کردن کارمندان را دوست داشت.»

سودربرگ پیش از این با فاینسدر، در «هی استفاده» (۲۰۱۱) و با بلانتلث در «آلمانی خوب» (۲۰۰۶) کار کرده‌بود. خودش می‌گوید این دور در «فهرست دائمی» او هستند. «ما مورد این فیلم اولین چیزی که احساس کردم این بود که باید به سراغ آن‌ها بروم.»

او بلافاصله نقش جرج و کاترین را به مایکل و کیت پیشنهادداد، چون «واقعاً آن‌ها به عنوان یک زوج فوق‌العاده روی صفحه تصور می‌کنم. من یک صیافت مسحور کننده در ذهن داشتم. در این موقع شام با افرادی زیاد که در آنجا می‌توانند چنین شخصیت‌هایی را تجسم کنند. کسانی که این لحاا بسیار زنده آن‌ها باشند. او اگر است یک فیلم‌ها بودی ستار مسحور ساز، بد همه‌ا ن زوار را داشته‌اند. بدین‌ها، پس در کارشان از مهارت‌های زیر همه این‌ها نیز دارد.»

این نگاه، به ویژه در مورد جرج با بازی فاینسدر، یک جاسوس پولادین که زمانی به راحتی پدر خیانت‌کارش را از زیر نظر داشت، اما همه چیز را در زیر سطح‌نگه می‌دارد، صلق می‌کرد. سودربرگ می‌گوید: «جرج یک شخصیت درون گرا است. کسانیه کسی امتیاج دارد که با آن راحت باشد، کسی که بتواند با یک رویدر می‌میلیتاریستی روی به ظاهر بسیار در عین حال قانع کننده باشد. مایکل (ژان-پیج) را دارد. او یک بازیگر شگفت‌انگیز است و می‌تواند چنین نگاهی در متن جاری است.»

او ادامه می‌دهد: «بعد این فرصت عالی را داشتمیم که کاری را با چند نفر دیگر برکتیم که با کارشان را دنبال می‌کردم یا بد مور، ناولمی (هریس)، پیش از این در مورد پروژ دیگری صحبت کرده‌بودم و می‌خواستیم که کار کنیم و بعد این یک پیش امد من گفتم: «او» می‌توانیم فعلا در این مورد این کار حرف بزنیم و بعداً دید دیگری برسیم»

تامرک که در «کیف سیاه» نقش یک جاسوس را بازی می‌کند، کسی بود که سودربرگ مدتی را از زیر نظر داشت. در واقع او بود که بر کار برای بازی در نقش اوسن ولز در فیلم «هتک» به بهترین دوستش، دیوید فینچر پیشنهادداد. «به تاف گفتم من «سوگات» بازی تو را دیدم. اوسن ولز بازی تو را هم تازه دیدم.»

سودربرگ در مورد رگی-ژان-پیج، ستاره سربال «هر چرتون» نیز می‌گوید: «این آدم یک ستاره سینماست. سودربرگ همچنین تحت تأثیر کار مارسیا ایلان در سریال «صنعت» قرار گرفته بود.

خانه به مثابه یک پيله

بخشی از لذت بصری «کیف سیاه» نه فقط از توری‌های ملایم و جذاب، بلکه به «حضور» معنای تازه‌ای یافته. سینما، هنری که تا دیروز بر بدن، صدا و نگاه انسانی تکیه داشت امروز می‌تواند بازیگری را بر پرده بیازد که هرگز مقابل دوربین حاضر نشده یا سال‌هاست دیگر در میان ما نیست. این اتفاق، در عین حال که خبر کننده است، پرسشی بنیادین را مطرح می‌کند: آیا حضور فیزیکی بازیگر، هنوز ضروری در سینماست؟

سودربرگ می‌گوید: «این نشان می‌دهد آن‌ها تمام رد آمد خالص و اوقات فراغت خود را طوری صرف می‌کنند تا خانه را همان طور که خودشان دوست دارند بسازند. این جافضی امن آن‌ها است. حرفه جرج و کاترین مملو از بلا تکنیکی و وحشر است، بنابراین خانه برای آن‌ها واقعاً نقش یک پناه دارد.»

سودربرگ می‌گوید: «در مورد خانه جایی که جرج و کاترین زندگی می‌کنند، من با فیلمبرد در مورد نحوه تور پرورای صحبت کردم و این سرور چیدمان و تأثیر داشت.»



هنرمندان انیمیشن در صف بیکاری؛ مدیران در اتاق تصمیم

صبا‌ی خاموش

آثار انیمیشن ایران با دوبله عربی به کشورهای منطقه فروخته شده، اما حمایت داخلی از آن‌ها کم‌رنگ است

زهرا نورا نجفی
هفت صبح

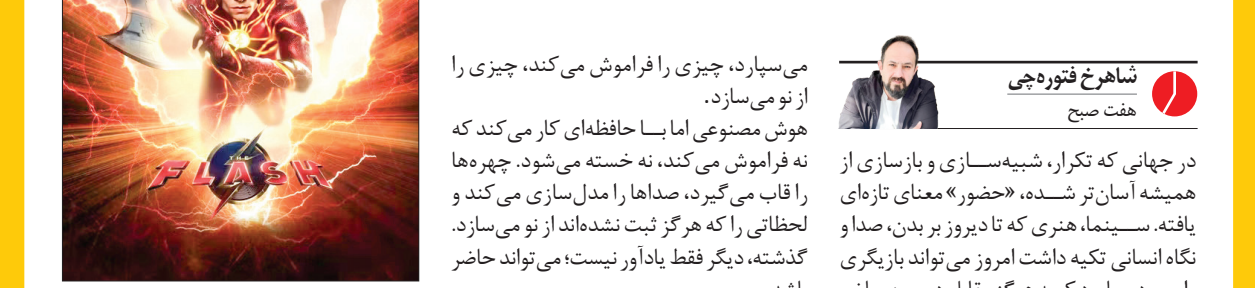
مرکز صبا، یکی از مراکز تولید انیمیشن در ایران است که به‌هواد منبع مهمی بسرای تأمین آثار تلویزیونی بوده، آثاری که به مراتب هزینه ساخت آن‌ها از خرید کپی‌رایت آثار خارجی بیشتر است اما تا گفته پیدا است که این پهنان سرما بی‌نگداری برای نسل بعدی جامعه هم خواهد بود. به‌خصوص در روزگاری که کودکان در بمباران انیمیشن‌های خارجی با دوبله‌های مختلف قرار دارند، ساخت و پخش آثاری که بیان گر فرهنگ و آیین بومی و ملی کشورمان باشد بسیار حائز اهمیت شناخته می‌شود. این سرمراه‌ایافته است که سودمایی در پی ندارد، اما قطعاً سود فرهنگی و ملی بسیاری در پی دارد.

حمایت فرهنگی و ارزش سرمایه‌گذاری به طرف دیگر، هر چند این روزها ساخت انیمیشن با تکنیک‌های سه بعدی و به‌دوی در جهان، طرفداران بیشتری دارد که منجر به سرمایه‌گذاری و درآمدزایی بیشتر هم می‌شود، اما هنوز تکنیک‌های سنتی ساخت انیمیشن به فراموشی سپرده نشده‌اند و معمولاً دول‌ها با کمک‌های مالی از هنرمندانی که ساا این تکنیک‌ها انیمیشن می‌سازند حمایت می‌کنند. چراکه ارزش هنری و فرهنگی این آثار را درک می‌کنند و به اصالت و نوآوری در هنر بها می‌دهند. کشورهایی مانند فرانسه، انگلستان، آلمان و کانادا در سرمایه‌گذاری روی آثار هنری مستقل

مدیران تأشیه به انیمیشن دلیل توقف است خرمان به سختی حاضر به گفتگو می‌شود، چون مدیران است گفتگو کردن درباره عملکرد مرکز پویانمایی صبا در هنر شاد که بازهم به در بسته بخورند و طرح‌هایشان تجاری خلاقانه با چنین تکنیکی باعث افزایش گرایش

هوش مصنوعی و روایت تازه‌ای از حضور در سینما

وقتی چهره‌ها می‌مانند و بازیگران می‌روند

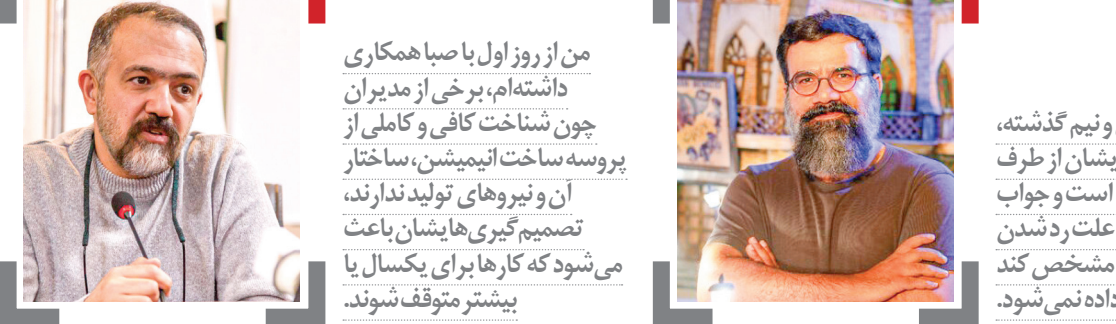


بود. برای دیگران، مرزی عبور شده بود. آیا این «ادای احترام» بود؟ یا بازتوسسی یک خاطره؟ در سینمایی افراد، زنده نگه‌داشتن یک چهره، شاید بیش از آن که به یادآوری یک خاطره زیبا باشد، نوعی بازآفرینی است.

بازیگرانی علیه ربات‌ها؟ این تحولات، واکنش‌های متضادی در میان هنرمندان داشته نیکلاس، «بی‌است» خواننده و هشدار داد که «ربات‌ها می‌توانند شرایط انسانی را بازتاب دهند»

برایسان کارکسون بازیگر مشهور سربال هر یکینگی از «خطر گرفتن شغل‌ها توسط ربات‌ها» می‌گوید. لیزا کوردو می‌برد، «وقتی می‌شود همیشه همان چهره‌ها را بازسازی کرد، دیگر برای انسان‌ها چه می‌ماند؟»

نزدیکه‌نگه‌داشتن یا باز نویسی؟ بازسازی هنرمندان در گذشته، در سطحی، جنس مالکیت، اخلاقی و احساسی، در چشونه فیلم فخر، نمایش چهره دیجیتال خسرو کشیپایی واکنش خانواداش را در بی‌داشت. زای برخی، این لحظه نوستالژیک



آفتاب درویشی، صدای تازه در آسمان موسیقی کلاسیک

زن ایرانی روی صحنه افسانه‌ای اروپا

آنا سوفی موتو، ویولنیست افسانه‌ای آلمانی لیکوی بلوچی را به جهانیان معرفی کرد

لیکو یک مقام بلوچی است که امالتا برای آواز و نی و فیلچر نوشته شده. مضمون اشعار در دوری و فقتان می‌گوید. فقدان معشوق، فرزند یا حتی آدمی که از سرزمین خود دور افتاده است. قطعه‌ای که من نوشتم تقسیر دشمنی‌ام از این مقام و الهام گرفته از «زن ایرانی»

آفتاب درویشی سال‌ها قبل به هلند رفت به‌سودای آهنگساز شدن و حاصل آن حالا تمام افتخاراتی است که این روزها کسب کرده‌است. او چندی قبل از آنکه با نام «هزار پروانه» را در پنج بخش منتشر کرد که هر کدام از طول که خود آفتاب می‌گوید، راوی یک بخش از زندگی اوست که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر روز هزاران‌ها را ترک می‌کنند. هزاران آدمی که در روای شیخای روشن‌تری هستند. فردین خلعتبری «بخش‌های از این آلبوم را ویران کرد» و آنا درویشی را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که در گوشه‌ای از این دین جریان داشته است. هزاران جوان، هزاران پروانه را به یاد هزاران آهنگساز نوشته که هر

صنعت گردشگری در بحران بومگردی های بدون مجوز

کاهگل های قلابی

فعالان گردشگری معتقدند افزایش بی ضابطه مجوزها باعث کاهش کیفیت اقامتگاه های بومگردی شده است



مرزیه موسوی
خبرنگار

«افزایش تعداد مراکز بومگردی» همواره یکی از موضوعات مورد اشاره مسئولان میراث فرهنگی و گردشگری در کشور بوده و هست. نشان به این نشان که مدیرکل دفتر مطالعات، آموزش و برنامه ریزی گردشگری وزارت میراث فرهنگی خبر از فعالیت حدود ۴ هزار مرکز بومگردی در کشور داده و افزایش تعداد

۱۸ سال پیش وقتی اکبر رضوانیان اقامتگاه بومگردی نقلی خود را در بافت قدیمی کاشان راه اندازی می کرد، کمتر کسی با نام «بودگردی» آشنا بود؛ عبارتی که به گفته این فعال گردشگری، برخاسته از فرهنگ متنوع زندگی در ایران است و بر خلاف رشته هایی مثل هتلداری، فعالان گردشگری که به سبک زندگی مردم بومی مناطق ایران علاقه داشتند، مبدع آن بودند. رضوانیان به هفت صبح می گوید: «بومگردی صرفا یک تاسیسات اقامتی نیست؛ بلکه فضایی است که با توجه به اقلیم و فرهنگ هر منطقه و در مسیر احیای این فرهنگ شکل می گیرد. یعنی بومگردی در کنار احیای خانه های برای زندگی در یک منطقه، به احیای صنایع دستی آنجا، احیای بازارهای محلی، احیای غذاهای سنتی و آداب و رسوم منجر می شود.» این همان مسیری است که خود او در سال های گذشته طی کرده و به احیای فرهنگ زندگی در گوشه ای از کاشان منجر شده است. او می گوید: «وقتی درباره بومگردی حرف می زنیم، باید از خودمان بپرسیم که به دنبال «ساخت» بومگردی هستیم یا «احیای» آن؟ اصولا آداب و رسوم یک منطقه را نمی توان خلق کرد و ساخت؛ بلکه این ها فرهنگ موجود در یک بوم و بر است که توجه دوباره به آن می تواند باعث احیای آن شود. این در حالی است که ما امروز در برخی از به اصطلاح بومگردی ها، شاهد این هستیم که افراد برای خلق موقعیت های مصنوعی تلاش می کنند.»

بومگردی را با معیارهای کیفی بسنجیم
عضو سابق هیأت رئیسه جامعه بومگردان کشور یکی از مهمترین آفت هایی که به جان گردشگری بومی کشور افتاده را، کمی شدن معیارهای سنجش می داند و می گوید: «برای

اقلیم ها با هم متفاوت است. رضوانیان می گوید از اقامتگاه که تجربه زندگی در مناطق بومی را برای گردشگران ایرانی فراهم می کند و فلسفه وجودی آن با «احیای» آداب و رسوم، معماری و سبک زندگی در مناطق روستایی و محله های تاریخی است. با این حال به گفته نایب رئیس سابق جامعه اقامتگاه های بومگردی ایران، توسعه بومگردی یک مفهوم کیفی است که در سال های اخیر در دام آمار و اعداد مسئولین افتاده و از ریل اصلی خود خارج شده است.

سنجش توسعه و موفقیت در زمینه بومگردی، باید به سمت معیارهای کیفی برویم و آن را بهبود بدهیم. چرا که اولاً ظرفیت های بومگردی در هر منطقه متغیر و متفاوت است و لزوما تعداد بومگردی های یک منطقه نمی تواند معیار خوبی برای سنجش کیفیت آن باشد. از طرف دیگر بومگردی در سال های گذشته کمی مورد توجه مدیران و مسئولان گردشگری قرار گرفته، به مجموعه ای از اعداد تبدیل شده است که انتظار می رود هر سال رو به رشد باشند اما کسی به مفهوم واقعی بومگردی در کشور توجهی ندارد.» به گفته این فعال حوزه گردشگری بومی، بهتر است کیفی سازی در بومگردی ها جای تلاش برای استاندارد سازی در این زمینه را بگیرد؛ چراکه بومگردی در هر منطقه ای با توجه به اقلیم و سبست های آن منطقه شکل می گیرد و نمی توان انتظار داشت برای یک منطقه کویری، یک منطقه ساحلی و یک منطقه کوهستانی استانداردهای یکسانی در بومگردی داشت. چراکه هر کدام از این اقلیم ها منابع و محدودیت های خاصی را نصیب ساکنانش می کند و روش سازگاری و زندگی مردم در این

متقاضیان دریافت مجوز بومگردی باید ابتدا همه اقدامات لازم را انجام دهند و بعد از همه این ها باید در دوره آموزشی شرکت کنند. یعنی فرد هزینه می کند و سرمایه گذاری می کند، تازه در دوره ممکن است به این نتیجه برسد که برای این کار مناسب هست یا نه

جمعه

روزنامه صبح ایران | سال چهاردهم | شماره ۴۰۲۵



رئیس هیأت مدیره جامعه اقامتگاه های بومگردی ایران:

بومگردی ها با ۱۲۰ معیار سنجیده می شوند

باور عبیری، رئیس هیأت مدیره جامعه اقامتگاه های بومگردی ایران به روزنامه هفت صبح می گوید: «زردیک به ۳ هزار و ۵۰۰ اقامتگاه بومگردی دارای مجوز در کشور در حال خدمات دهی به مسافران هستند و چندین برابر این آمار، اقامتگاه های بومگردی بدون مجوز وجود دارند که به مسافران داخلی و خارجی خدمات ارائه می کنند. اقامتگاه های بومگردی بدون مجوز مثل قاچ در کشور رشد کرده اند و متأسفانه زمانی که مسافران از این اقامتگاه ها خدمات بی کیفیت دریافت می کنند، ذهنیت منفی نسبت به کل اقامتگاه های بومگردی دارای مجوز پیدا می کنند.»

او در رابطه با اقدامات متولیان نظرات بر اقامتگاه های بومگردی برای کنترل کیفیت این مراکز اقامتی می گوید: «امسال جامعه اقامتگاه های بومگردی، برنامه جامعی برای بومگردی در نظر گرفته است که دو هدف مهم در این برنامه دنبال می شود. یکی ارزیابی اقامتگاه های بومگردی است که به زودی از سمت وزارتخانه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تدوین و به استان ها ابلاغ می شود تا اقامتگاه ها ارزیابی شوند. بعد از آن اقامتگاه های هر استان ارزیابی و سطح کیفی و درجه بندی آنها مشخص می شود و از طرف دیگر بسیاری از اقامتگاه های مثل خانه مسافرها یا خانه باغ ها که اقامتگاه های بومگردی به حساب نمی آیند، از چرخه بومگردی خارج شوند.»

به گفته او، زردیک به ۱۲۰ موضوع برای ارزیابی اقامتگاه ها در نظر گرفته شده است. از جمله اینکه معماری اقامتگاه باید مطابق معماری بومی منطقه باشد و از المان های سنتی و بومی منطقه در اقامتگاه استفاده شده باشد. آموزش مدیران و صاحبان اقامتگاه های بومگردی هدف دیگری است که در این برنامه جامع دنبال می شود و در دستور کار متولیان گردشگری قرار گرفته است. رئیس هیأت مدیره جامعه اقامتگاه های بومگردی ایران می گوید: «۵۵ ساعت آموزش از سمت

وزارتخانه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نهایی شده و امسال این دوره های آموزش ها اجرا خواهد شد. این آموزش ها روی کیفیت خدمات دهی اقامتگاه ها بسیار تاثیر گذار خواهد بود.»



نگاه

ایران هراسی؛ مهم ترین مانع ورود گردشگران خارجی

مصطفی شفیعی شکیب
رئیس جامعه تورگردانان ایران



یکم: مهم ترین مانع برسر راه توریهای ورودی به کشور، «ایران هراسی» است که در دنیا شکل گرفته و در راستای رفع این توهم، ایرانیانی که به وطن خود سفر می کنند، می توانند سفیران و روایتی برای آنچه در ایران نوین دیده اند باشند. یکی از عمده ترین دلایل کاهش تعداد گردشگران خارجی در کشور، جوسازی های بیپرده از سوی دشمنان و به نوعی ایران هراسی است که پیامد این فضا را حتی در بین ایرانیان مقیم خارج از کشور به خصوص دو تابعیتی ها شاهدهیم، القای ترس و توهم دستگیری برای مبادله با نفر یا نفراتی که در کشور مبدأ دستگیر شده اند، متأسفانه یکی از آسیب هاست که گریبانگیر صنعت توریسم ما شده است.

البته ناگفته نماند که برخی سوابق و رفتار برخی مدیران در این ماجرا بی تاثیر نبوده است، چون هر رفتار و کنش نادرستی می تواند دستاویزی برای مستندسازی و انعکاس در رسانه ها مانند رادیو و تلویزیون، روزنامه ها، مجلات و سایت های خبری یا جوسازی برخی از خود هومطان در خارج از کشور باشد که از این دست کم نداریم تا از ایران و ایرانی چهره های خشن، بی منطق و بیگانه ستیز به تصویر بکشند و از آن برای ممانعت مسافران به کشور استفاده کنند. این حالت را بنده به شخصه بعد از فوت خواهرم تجربه کردم، دختر خواهر من که بیش از ۱۵ سال است به عنوان صندوق دار یک فروشگاه تجاری در آمریکا کار می کند، نگران بود که برای مراسم فوت مادرش به ایران بیاید و همیشه می گفت اگر بیایم و دستگیر شوم وضع همسر و دختر کوچکم چه می شود. با شناختی که ایشان از بنده داشت، قول شرف دادم که هیچ مشکلی او را تهدید نمی کند. او هم بر مبنای قول من آمد و وقت، ولی در ۱۰ روزی که در ایران بود، ترس و نگرانی همراهش بود. دوم: با توجه به تمکین مالی خوبی که ایرانیان خارج از کشور دارند، کوچک ترین نقشی که از نظر اقتصادی دارند تقویت و تزریق مقداری از داشته های خود به اقوام نزدیک (خواهر و برادر) است و علاوه بر آن خرید سوغاتی مانند صنایع دستی برای دوستان و آشنایان خود در کشوری که در آن ساکن هستند؛ همچنین چون بیشتر این افراد خانه ای برای اسکان ندارند از هتل های موجود در شهری که به آنجا می روند، استفاده می کنند. همیشه تبلیغات دهان به دهان تاثیر بهتر و بیشتری از تبلیغات صوتی و تصویری بی جان و بی روح دارد. ایرانیانی که به وطن خود سفر می کنند، می توانند سفیران و روایتی برای آنچه در ایران نوین دیده اند و بر خرده های که رسانه ها هم با رعایت امانت و صداقت در گفتار و نوشتار می توانند در این زمینه موثر باشند. باید این واقعیت را بپذیریم که دنیا با تمام بزرگی و وسعتی که دارد، امروزه بسیار کوچک و در دسترس است و اگر اتفاق قابل توجهی در جایی رخ دهد در سریع ترین زمان ممکن جهانی می شود؛ پس باید در بیان صداقت داشته باشیم و به این باور برسیم که مردم خوب و بد را متوجه می شوند و اگر گاهی موضوعی را که می دانند نگویند است و دم نمی زنند چند علت دارد یا از بیان واقعیت می ترسند یا نگران موقعیت، مقام و منزلت اجتماعی شان هستند یا با یاکاری و تظاهر دنبال سوءاستفاده هستند.

7SOBH.COM



همراه با تحریربه صحت منبع اخبار و گزارش ها را آتلبان پیگیری کنید
دانلود اپلیکیشن اندرویدی از گوگل پلی و کافه بازار

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

شهرداری شهر قدس در نظر دارد نسبت به اجرای آسفالت (تهیه شده توسط شهرداری) بصورت مکانیزه جهت معابر سطح شهر از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. برآورد اولیه: مبلغ اولیه برآورد انجام کار حدود ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بدون احتساب ٪۱۰ مالیات بر ارزش افزوده و سقف اعتبار اجرای پروژه ۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ با احتساب کلیه ضرایب مدت اجرای پروژه: ۶ ماه. تضمین شرکت در مناقصه: ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که به صورت واریز نقدی یا ضمانتله معتبر بانکی مورد پذیرش خواهد بود. - ارائه هر نوع چک اعم از بانکی یا تضمینی و یا سایر موارد مشله به عنوان ضمانت نامه، به هیچ عنوان قابل قبول نمی باشد. - پرداخت تضمین شرکت در مناقصه: ۱۰۰/۵۷۰۸۳۲۷۰۰۲ شماره حساب نزد بانک ملی بنام شهرداری شهر قدس - اسپرد مناقصه گران اول تا سوم تا زمان عقد قرارداد نزد شهرداری باقی می ماند و هرگاه برندگان اول تا سوم مناقصه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: ۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (هشت میلیون ریال) می باشد که به حساب شماره ۱۰۰۵۷۰۸۲۹۸۰۰۰ به نام شهرداری شهر قدس نزد بانک ملی و بصورت الکترونیکی از طریق سامانه تکت دولت به نشانی www.setadiran.ir قابل پرداخت می باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱



مهرلت خرید اسناد: مهرلت خرید اسناد منقصه از مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ لغایت ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ می باشد و اسناد و مدارک مناقصه طرف مهلت مندرج در سامنه تارکات دولت به نشانی www.setadiran.ir قابل دریافت می باشد. مهرلت اعتبار بیهشتهادات: مهرلت تحویل ضمانتله تسلمت ۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ و آخرین مهرلت پارگناری اسناد تا ساعت ۱۴ همروز از طریق پارگناری در سامنه تارکات دولت www.setadiran.ir می باشد. شرایط شرکت در مناقصه: شهرداری در رد با قبول پیشنهاد مختار است. ضمانت رعایت موارد ذیل الزامی می باشد. - برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامنه تارکات الکترونیکی دولت می باشد و مراحله فرایند مناقصه و اطلاع از وضعیت برنده بودن مناقصه گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد. کلیه اطلاعات موارد شامل مشخصات، شرایط و نحوه اجاره در برد اعلان عمومی سامنه مناقصه عمومی قابل مشاهده و بررسی و انتخاب می باشد. در صورت بروز هرگونه نقض در موارد مندرج در آگهی با سامنه ستاد ملک عمل سامنه ستاد خواهد بود سایر شرایط در اسناد مناقصه قید شده است.

روابط عمومی شهرداری شهر قدس

نوبت اول

شناسه آگهی: ۱۹۱۰۸۶۵

آگهی ارزیابی کیفی مشاوران شماره فراخوان: ۲۰۰۴۰۰۱۲۰۵۰۰۰۰۰۰۲



شرکت آب منطقه ای اسفهان

شرکت آب منطقه ای اسفهان در نظر دارد مطابق آیین نامه اجرایی بند همداه ۲۹ قانون برگناری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی مشاوران جهت برونسپاری استقرار گروه های حفاظت رشتنه و پایه مشاور: دانشن گواهینامه پایه یک تشخیص صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه کشور، گروه مهندسی آب، حداقل یکی از تخصص های آبیاری و زهکشی، حفاظت و مهندسی رودخانه و سدسازی و ظرفیت لازم.

مبلغ برآورد: ۳۹۲،۱۱۸،۵۸۵،۳۴۷ ریال
مهلت دریافت اسناد ارزیابی: متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد ارزیابی به مدت ۷ روز پس از تاریخ انتشارنوبت اول این آگهی، از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد ارزیابی اقدام نمایند. مهلت تکمیل و تحویل اسناد، یک هفته پس از آخرین روز مهلت دریافت اسناد می باشد. محل دریافت و تحویل اسناد: متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد ارزیابی از طریق سامانه تارکات (www.setadiran.ir) اقدام نموده و پس از تکمیل مدارک، صرفا نسخ الکترونیکی اسناد با استفاده از امضای الکترونیکی صاحبان حق امضای مجاز و مهر الکترونیکی، امضا و مهر شده و در سامانه بارگناری شوند و نیازی به چاپ، امضا و مهر گرم و اسکن اسناد نبوده و همچنین، نیازی به ارسال نسخ فیزیکی نمی باشد. آدرس و تلفن تماس: اسفهان - پل خواجه - بلوار آئینه خانه - جنب هلال احمر - شرکت آب منطقه ای اسفهان - کد پستی ۷۶۴۷۳-۸۱۶۶۴ صندوق پستی ۳۹۱. تلفن: ۰۳۱۳۶۶۱۵۳۶۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

قانون پایستگی پراید وانت پراید یک نان آور بادوام

پراید از شکلی به شکل دیگر تبدیل می شود؛ این بار وانت

متین شبیری | شاید خواندن این تیتر برای شما جالب و طنز باشد یا شاید کمی تلخ اما واقعیت این است که خوب و بد پراید هنوز روی خط تولید است و حتی خیلی از کسانی که به این پیر مرد چهار چرخ بد و بیراه می گویند، خودشان یکی از آن را دارند و حاضر به دل کندن از آن نیستند، چراکه معتقدند کم خرج و بی دردسر است. بسیاری تصور می کنند که پراید در مرداد ۱۳۹۹ با خط تولید سایپا خدا حافظی کرد اما نه، این تنها یک تصور اشتباه است، مطابق با قانون پایستگی پراید که مبدع آن مدیران سایپا بودند؛ یک پراید هیچگاه از بین نمی رود بلکه از شکلی به شکلی دیگر تبدیل می شود، سایپا قبل از اینکه منار را بدزدد، چاه را ۶سال قبل کنده بود. اما این بار مدیران سایپا در حرکتی هوشمندانه وانت پراید ۱۵۱ آپشنال را در زمستان ۱۳۹۸ پیش فروش کردند و در بهار ۱۳۹۹ تحویل دادند. این کار باعث شد تا سایپا بتواند به نوعی مردم و سازمان استاندارد را بدون شکایت قانع کند.

البته فارغ از بحث سایپا و سودآوری این شرکت باید این موضوع را پذیرفت که وانت پراید با تمامی ضعف هایش چه در آن زمان و چه در زمان حال هیچ جایگزینی نداشته و ندارد. حال در ادامه این متن به بررسی جامع این خودروی پررقصه اما بی صدا خواهیم پرداخت.

مشخصات فنی وانت پراید ۱۵۱

وانت سایپا ۱۵۱ به یک پیشرانۀ ۴ سیلندر از نوع M۱۳ مجهز شده که با حجم ۱۳۲۳ سی سی، توان تولید ۷۳ اسببخار در دور ۵۲۵۰ و گشتاور ۱۰۹ نیوتن متر در دور ۳۰۰۰ را دارد. این توان از طریق گیربکس ۵ سرعته دستی به چرخ های جلو منتقل می شود. درچه گاز این موتور از نوع مکانیکی است که تاخیر کمتری نسبت به نسخه برقی دارد. سیستم فرمان هیدرولیک که با تعلیق جلوی مک فرسون و عقب یکپارچه پا تیر پیچشی همراه شده است، سواری نسبتاً نرم را فراهم می کند. ترمزهای جلو دیسکی و عقب کاسه‌ای، در کنار رینگ‌های ۱۳ اینچی با تایرهای ۱۶۵/۱۳/۶۵R، کنترل مناسبی ارائه می دهند. مصرف سوخت ترکیبی ۶/۹۶لیتر در ۱۰۰ کیلومتر با بارک ۴۹ لیتری این وانت کاملاً تناسب دارد و با استاندارد آلایندگی یورو ۵، از نظر زیست‌محیطی قابل قبول است.

امکانات آخرین سری پراید

سایپا ۱۵۱ با امکاناتی مثل ترمز ABS و EBD، کیسه هوای راننده و سرنشین، سیستم ضدسرقت ایموبیلایزر و هشدار بستن کمربند، ایمنی مناسبی فراهم کرده. از نظر رفاهی هم وجود تهویه مطبوع، فرمان قابل تنظیم، آینه‌های تاشو، چراغ روشنایی روز (Daylight) و مه‌شکن عقب، این وانت

چهار چرخ

نیسان مورانو ۲۰۲۵؛ مدل جدید محبوب دهه ۸۰ ایرانی‌ها



🔴 **تجربه رانندگی؛ توربو به جای ۷۶، با طعم نرم**

نیسان برای اولین بار، موتور ۷۶ سابق را کنار گذاشته و یک پیشرانۀ ۱۲لیتری توربوشاژز چهار سیلندر را جایگزین کرده است. این موتور جدید با ۲۴۱ اسببخار قدرت و گیربکس ۹ سرعته اتوماتیک، تجربه‌ای نرم و بی دردسر ارائه می دهد. البته شتاب گیری به تندی موتور قبلی نیست اما رانندگی در سرعت‌های میانی بسیار راحت و آرام است. فرمان دقیق نیست اما کار راه انداز است. مصرف سوخت نسخه دو دیفرانسیل نیز به‌طور میانگین ۹/۸ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است که نسبت به قبل تغییر محسوسی نداشته.

🔴 **جمع بندی؛ از تقای تدریجی برای ماندن در بازی**

مورانو ۲۰۲۵ شاید یک تحول انقلابی نباشد اما ترکیب طراحی جسورانه، امکانات رفاهی چشمگیر و تکنولوژی های روز، آن را به گزینه‌ای جدی در بازار کراس‌اوورهای میان‌ساز تبدیل کرده. گرچه نبود نسخه هیبرید یا پلاگین هیبرید، در بازاری که به سمت برقی شدن می رود، یک نقطه ضعف به‌شمار می آید اما مورانو با همان فرمول آشنا و ارتقا‌های هدفمند، همچنان یکی از آرام ترین و قابل اعتمادترین گزینه‌ها برای خانواده‌ها باقی می ماند. قیمت نسخه فول آپشن پلاتینیوم حدود ۵۵هزار دلار است که در مقایسه با رقبای هنوز رقابتی به حساب می آید.



پس از اعلام خبر ورشکستگی و احتمال ادغام نیسان با رقبای، احتمال رکود و ثبات نیسان محتمل ترین گزینه بود اما نیسان هم کیفیت و خلاقیت در محصولات خود را از تقاداد و هم سبد محصولات خود را تغییر داد که در نوبه خود جالب بود. نسل جدید مورانو با ظاهری متفاوت، حالا بیش از همیشه به دیگر اعضای خانواده نیسان شباهت دارد. جلوپنجره‌ای متفاوت با خطوط تیز و چراغ‌های باریک، از کراس‌اوور برقی آریا الهام گرفته شده‌اند. طراحی سیال تر بدنه، استایل سقف شناور و رینگ‌هایی با طرح تازه، به خودرو وقاری مدرن داده‌اند. به‌ویژه در نسخه پلاتینیوم، پرداخت‌های کرومی و جزئیات ظریف تر در بدنه، حس لوکس تری را القا می کنند. در مجموع، مورانو حالا ظاهری دارد که چه در کنار رقیب امریکایی اش فورد اچ پایسند و چه کرای‌هایی مثل سورتو، کم نمی آورد.

🔴 **کابین؛ باز طراحی دلپذیر با نمرکز بر راحتی**

داخل کابین، نیسان سنگ تمام گذاشته است. ترکیب چوب تیره، نورپردازی چندرنگ و حذف دکمه‌های فیزیکی در مرکز داشبورد، فضایی یک‌دست و مینیمال خلق کرده. صندلی‌های Zero Gravity نیسان همچنان در زمره راحت‌ترین‌ها قرار دارند. در تیب‌های بالاتر مثل پلاتینیوم، گرمکن، تهویه و حتی ماساژور برای صندلی‌های جلو در نظر گرفته شده؛ چیزی که حتی در خودروهای

خودرو



و نکته دوم این است که بسیاری از محصولات مانند وانت پراید یا نیسان آبی بدون واقع یک مصرف کننده هوشمند، به خوبی می‌داند که این خودرو برای مصرف درون شهری و بارهای نه‌چندان سنگین که بیشتر نیاز به فضا برای حمل دارند طراحی شده است و به‌واقع گزینه ایمن و مناسبی برای تردد بین شهری نیست.

جمع بندی

فارغ از تمامی انتقادات و ویژگی‌ها، دو نکته را نباید از یاد برد، اولین نکته این است که ما در ایران چقدر با شرایط ایده‌آل ذهنی خودمان و ایده‌آل جهان فاصله داریم و امروز ما در چه شرایط اقتصادی، سیاسی و صنعتی قرار داریم

دنده عقب

مزدا ۱۰۰۰؛ وانت کوچک جثه و نوستالژیک ژاپنی

فنی، مزدا ۱۰۰۰ یک حس دارد؛ حسی از اعتماد. صدای تق تق دنده عقب، لرزش خاص فرمان بدون هیدرولیک و حتی بوی خاص کابین قدیمی با صندلی‌هایی که بیشتر از جنس خاطره‌اند تا قوم. این وانت، فراتر از یک خودرو، بخشی از حافظه صنعتی و اجتماعی ایران است. این چهره‌ها، وانت کلاسیک مزدا ۱۰۰۰ است؛ محصولی جاودانه از دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی که هنوز هم در جاده‌های روستایی و کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر، با غروری خاموش اما پررنگ حضور دارد. واقعیت این است که دیگر هیچ کشور و شرکت خودروسازی در جهان هیچ خودرویی را با چنین دوامی نخواهد ساخت، چراکه دیگر سیاست آبی رنگی که این صنعت و شیوه کسب سود در آن تغییر کرده است. مزدا ۱۰۰۰ با قلب پهنده‌ای ۴ سیلندر خطی با حجم ۹۸۷ سی سی و قدرت حدودی ۶۰ اسببخار، هرگز قرار نبود که قهرمان مسابقات شتاب باشد. اما آنچه این وانت جمع‌جو ر ژاپنی را متمایز می کرد، دوام مثال‌زدنی پیشرانۀ، هماهنگی کم‌نظیر با جعبه‌دنده ۴ سرعته دستی و البته مصرف سوخت اقتصادی بود. تعلیق ساده اما مؤثر محور عقب و شاسی مستحکم این وانت، آن را به انتخاب اول کشاورزان، مغازه‌داران و حتی نیروهای خدماتی در سراسر کشور تبدیل کرده بود.

امروز، بازسازی مزدا ۱۰۰۰ تبدیل به یک جریان نوستالژیک در میان کلکسیونرها و عاشقان کلاسیک شده است. و چه چیزی زیباتر از اینکه خودرویی که روزی فقط «ابزار کار» بود، حالا با افتخار «یادگار تاریخ» تلقی شود؟



مزدا ۱۰۰۰ یک حس دارد؛ حسی از اعتماد. صدای تق تق دنده عقب، لرزش خاص فرمان بدون هیدرولیک و حتی بوی خاص کابین قدیمی با صندلی‌هایی که بیشتر از جنس خاطره‌اند تا قوم. این وانت، فراتر از یک خودرو، بخشی از حافظه صنعتی و اجتماعی ایران است. این چهره‌ها، وانت کلاسیک مزدا ۱۰۰۰ است؛ محصولی جاودانه از دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی که هنوز هم در جاده‌های روستایی و کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر، با غروری خاموش اما پررنگ حضور دارد. واقعیت این است که دیگر هیچ کشور و شرکت خودروسازی در جهان هیچ خودرویی را با چنین دوامی نخواهد ساخت، چراکه دیگر سیاست آبی رنگی که این صنعت و شیوه کسب سود در آن تغییر کرده است. مزدا ۱۰۰۰ با قلب پهنده‌ای ۴ سیلندر خطی با حجم ۹۸۷ سی سی و قدرت حدودی ۶۰ اسببخار، هرگز قرار نبود که قهرمان مسابقات شتاب باشد. اما آنچه این وانت جمع‌جو ر ژاپنی را متمایز می کرد، دوام مثال‌زدنی پیشرانۀ، هماهنگی کم‌نظیر با جعبه‌دنده ۴ سرعته دستی و البته مصرف سوخت اقتصادی بود. تعلیق ساده اما مؤثر محور عقب و شاسی مستحکم این وانت، آن را به انتخاب اول کشاورزان، مغازه‌داران و حتی نیروهای خدماتی در سراسر کشور تبدیل کرده بود.

بیشترین افزایش خارجی	بیشترین کاهش خارجی				
۱	لاماری ایما هیبرید- ۱۷۴۳	۸۷-	۲/۶۶۰میلیون تومان		
۲	دیگنیتی پرستیز- ۱۴۰۳	۴۰-	۲/۷۷۰میلیون تومان		
۳	دیگنیتی پرایم- ۱۴۰۴	۲۱-	۲/۰۷۰میلیون تومان		
۴	جک S۳ اتوماتیک- ۱۴۰۳	۵-	۱/۴۵۵میلیون تومان		
۵	جک F۴ آپشنال- ۱۴۰۳	۵-	۱/۰۷۰میلیون تومان		

بیشترین افزایش خارجی					
۱	کی ام سی- T۹ توربو	۹۸+	۲/۷۵۰میلیون تومان		
۲	کی ام سی T۸- ۱۴۰۲	۵۰+	۱/۸۰۰میلیون تومان		
۳	ام‌وی‌ام Pro IE X۵۵- ۱۴۰۲	۱۱+	۱/۶۲۰میلیون تومان		
۴	ام‌وی‌ام Pro IE۱۴۰۳ X۵۵	۹+	۱/۷۲۰میلیون تومان		
۵	نیسان سانی- ۱۴۰۳	۵+	۱/۷۰۰میلیون تومان		

بیشترین کاهش داخلی					
۱	پژو ۲۰۶ تیپ ۳ پاتوراما	۱۰-	۷۶۰میلیون تومان		
۲	شاهین G۱۴۰۳	۷-	۹۶۰میلیون تومان		
۳	سورن پلاس EF۷ دوگانه	۶-	۹۳۰میلیون تومان		
۴	سایناS بنزینی ۸۵ گانه	۵-	۵۳۵میلیون تومان		
۵	پژو ۲۰۷ دنده ای TU۵	۴-	۸۴۰میلیون تومان		

بیشترین افزایش داخلی					
۱	مزداتو کاردو کابینپژو	۷۰+	۱/۱۵۰میلیون تومان		
۲	پارس LXTU۵	۵۵+	۷/۵۰میلیون تومان		
۳	پژو پارس جدید XU۷P	۲۹+	۸۷۰میلیون تومان		
۴	سایناS دنده‌ای بنزینی	۲۰+	۵۰۵میلیون تومان		
۵	کوییک دنده‌ای ۱۴۰۲	۲۰+	۴۵۰میلیون تومان		

چراغ چک

بی تفاوتی بازار خودرو نسبت به اخبار پرنوسان واردات

در طول هفته گذشته، حدود سه مرتبه موضوعات مرتبط با تعرفه و ارز واردات خودرو توسط نهادهای مختلف در جلساتی رسمی مورد بررسی قرار گرفت اما آنچه بیش از همه توجهات را جلب کرد، حجم بالای اخبار متناقض و گاهی عجیب‌وغریب بود که پس از هر جلسه منتشر می‌شد.

برای مثال، در یکی از این تصمیم‌گیری‌ها تعرفه واردات خودروهای هیبریدی و برقی ناگهان به ۱۰۰ درصد افزایش یافت اما در نهایت به ۳۰ درصد کاهش پیدا کرد. یا در نمونه‌ای دیگر، عدد مربوط به ارز تخصیصی برای واردات خودرو که پیش‌تر بارها دستخوش تغییر شده بود، در نهایت ۳ میلیارد دلار اعلام شد؛ عددی که فعلاً تغییری نداشتۀ است.

در چنین فضایی که ارقام و سیاست‌ها ظرف چند ساعت و در چنین ابعادی تغییر می‌کنند، آن هم در شرایطی که اقتصاد کشور در تنگناست، بازار و مردم واکنش مشخصی نشان نمی‌دهند و به‌نوعی به بی‌حسی رسیده‌اند. در واقع فعالان اقتصادی و مردم به سه دسته تقسیم شده‌اند:

دسته نخست، قشر متوسط و پایین جامعه‌اند که عملاً دیگر توان خرید خودروی وارداتی را ندارند. حتی اگر بخواهند، شرایط اقتصادی و قیمت‌ها اجازه چنین تصمیمی را نمی‌دهد.

دسته دوم، گروهی‌اند که بدون توجه به تغییرات روزانه، بر اساس تجربه یا علاقه شخصی دست به خرید یا فعالیت در بازار می‌زنند؛ ریسک می‌کنند و دل به دریا می‌زنند.

دسته سوم، اقلیتی هستند که عملاً بازار را در اختیار دارند. حال می‌توان آن‌ها را دارندگان رانت یا حتی سازندگان رانت نامید.

نگرانی آنجاست که سرنوشت بازار به‌دست اقلیتی ثروتمند و صاحب‌نفوذ رقم بخورد؛ هرچند در ظاهر، عرضه و تقاضاست که بازار را می‌سازد. اما وقتی بخش بزرگی از جامعه در تأمین نیازهای اولیه هم ناتوان است، خرید خودروی وارداتی برای‌شان بی‌معناست.

در این میان، روند واردات خودرو نیز نزدیک به دو سال است که به‌دلیل ضعف قوانین و اجرای نامناسب، قطره چکانی و کند پیش می‌رود. آن هم در حالی که در آغاز این فرآیند، با دلار ۵۰ هزار تومانی، قدرت خرید مردم به‌مراتب بیشتر از امروز بود. بنابراین، بی‌تفاوتی بازار به حجم انبوه اخبار ضدونقیض، امری عجیب نیست. این بازار در یک وضعیت بلاتکلیف گرفتار شده، نه خبری از ثبات هست، نه از اعتماد و تازمانی که این بی‌ثباتی ادامه داشته باشد، گویا واکنش بازار هم چیزی فراتر از سکوت نخواهد بود.

قاتل خاموش موتور؛ چرا نباید تسمه تایم را دست کم گرفت؟

تسمه تایم یکی از قطعات کلیدی در عملکرد هماهنگ موتور خودرو به‌شمار می‌رود که نقش آن در همزمان‌سازی میل‌لنگ و میل سوپاپ، حیاتی است. باوجود ظاهر ساده‌اش، خرابی یا پارگی این قطعه می‌تواند صدماتی جدی به موتور وارد کند و هزینه‌های سنگینی برای مالک خودرو در پی داشته باشد. یکی از معایب خطرناک تسمه تایم، نبود علامت هشداردهنده پیش از خرابی است. در بسیاری از موارد، پارگی تسمه به‌صورت ناگهانی رخ می‌دهد و بلافاصله موجب بر خورد سوپاپ‌ها با پیستون‌ها و در نهایت، توقف کامل عملکرد موتور می‌شود. چنین آسیبی می‌تواند به بازسازی کامل سیلندر یا حتی تعویض موتور منتهی شود. برای جلوگیری از این وضعیت، توصیه می‌شود تسمه تایم مطابق با بازه پیشنهادی سازنده (معمولاً بین ۶۰ تا ۱۰۰ هزار کیلومتر) تعویض شود. البته طی چند سال اخیر و با توجه به افت محسوس کیفیت قطعات لوازم یدکی خودرو، رعایت دو نکته الزامی است: یکی استفاده از قطعات اصلی و باکیفیت در فرآیند تعویض تسمه تایم که اهمیت بالایی دارد؛ چراکه قطعات متفرقه هرچند ارزان‌ترند اما می‌توانند ریسک خرابی را افزایش دهند و نکته دیگر این است که تمامی سرویس‌ها و بازدیدهای خودروی خود را رودتر از کیلومترهای اعلامی و استاندارد انجام دهید، چراکه بارها دیده شده که برای مثال تسمه تایم به جای ۶۰ هزار کیلومتر روی (۳۵ یا ۴۵ هزار) کیلومتر کارایی خود را دست داده و هزینه‌های گزافی را روی دست مالک خودرو گذاشته است. از سوی دیگر در خودروهای کار کرده که سابقه تعمیرات مشخص نیست، بررسی وضعیت تسمه و تعویض پیشگیرانه آن، تصمیمی منطقی و الزامی است که در صورت عدم پیگیری و پارگی تسمه، قطعا جیب و حساب بانکی شما را خالی خواهد کرد. توجه به این جزئیات ساده، می‌تواند از هزینه‌های غیرمنتظره جلوگیری کند و عمر مفید پیشرانۀ خودرو را به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

کلاس خودرو

کراس‌اوور؛ خودرویی میان دو دنیا

کراس‌اوور که با نام رسمی Crossover Utility Vehicle (CUV)، شناخته می‌شود، نوعی خودروی چندمنظوره است که ترکیبی از ویژگی‌های سواری‌های معمولی مانند سدان یا هاچ‌بک و شاسی‌بلندها (SUV) است. این خودروها روی پلتفرم یکپارچه سواری ساخته می‌شوند اما طراحی عضلانی، ارتفاع بیشتر از سطح زمین و فضای کابین بزرگ‌تری دارند. نتیجه این ترکیب، سواری نرم‌تر، مصرف سوخت مناسب‌تر و ظاهر قدرتمندتری است. همین ویژگی‌های دوگانه باعث شده تا کراس‌اوورها در سال‌های اخیر، به یکی از پرفرودارترین کلاس‌های خودرویی در بازار جهانی تبدیل شوند. برخلاف SUVهای سنتی که از شاسی مستقل استفاده می‌کنند، کراس‌اوورها دارای ساختار یکپارچه (Unibody) هستند. این تفاوت، نه‌فقط در عملکرد فنی، بلکه در تجربه رانندگی هم قابل مشاهده است. یکی از راه‌های ساده تشخیص این تفاوت، واکنش خودرو در مسیرهای ناهموار است: در یک کراس‌اوور، اگر چرخ‌ی از زمین جدا شود، معمولاً به سمت بدنه کشیده می‌شود اما در یک SUV واقعی، همان چرخ تمایل به حفظ تماس با زمین دارد. این یعنی SUV ها ذاتاً برای شرایط سخت‌تر طراحی شده‌اند اما کراس‌اوورها مناسب‌تر برای مسیرهای شهری، جاده‌های آسفالت و حتی جاده‌های خاکی سبک هستند. ترکیب راحتی، ظاهر اسپرت، مصرف بهینه و فضای کاربردی باعث شده کراس‌اوورها امروز به پرفروش‌ترین سگمنت خودرویی دنیا تبدیل شوند- به‌ویژه در بازار اروپا. این خودروها در انواع سباز عرضه می‌شوند؛ از مدل‌های کامپکت مثل میوندای توسان و کیا اسپورتیج گرفته تا نمونه‌های بزرگ‌تر مانند تویوتا هایلندر یا فورد اچ. حتی برندهای لوکس مثل ولوو، آودوی و پ.ام.و هم طیف متنوعی از کراس‌اوورها را در سبد محصولات خود دارند.



سفری به شادترین کشور جهان با خنده‌های پنهان

آیا فنلاند واقعا کشور شادی است؟

رامتین لطیفی | سه هفته پیش و برای هفتمین سال پیاپی، فنلاند در گزارش شادی جهانی ۲۰۲۴ که توسط شبکه راه‌حل‌های توسعه پایدار سازمان ملل منتشر شد، عنوان شادترین کشور جهان را از آن خود کرد. این کشور با دریاچه‌های بی‌شمار، جنگل‌های بکر و سیستم رفاهی تحسین‌برانگیزش، به نظر می‌رسد فرمول جادویی رضایت را کشف کرده باشد اما آیا این تاج شادی در واقع نشان‌دهنده زندگی روزمره فنلاندی‌هاست، یا پشت این عنوان چشم‌نواز و دل‌فریب، لایه‌هایی از پیچیدگی علمی و تناقض بین اعداد، ارقام و فرمول‌های علمی روی کاغذ و زندگی واقعی مردم نهفته است؟

گزارش شادی جهانی که براساس داده‌های نظرسنجی گالوپ و شش شاخص کلیدی شامل تولید ناخالص ملی، حمایت اجتماعی، امید به زندگی سالم، آزادی انتخاب، سخاوت و کشف فساد تهیه می‌شود، فنلاند را به دلیل ترکیبی از برابری اجتماعی، اعتماد عمومی بالا و زیرساخت‌های قوی ستایش می‌کند. در فنلاند، آموزش رایگان، مراقبت‌های بهداشتی باکیفیت و شبکه‌ای گسترده از حمایت‌های اجتماعی، اطمینان خاطر به شهروندان می‌دهد که حتی در روزهای سخت، تنها نخواهند ماند اما نگاهی به آمارهای داخلی این کشور، تصویری متفاوت نیز ترسیم می‌کند. نرخ خودکشی، به‌ویژه در میان جوانان زیر ۳۰ سال، همچنان بالاست و در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، فنلاند یکی از بالاترین آمارهای مرگ ناشی از مصرف بیش از حد مواد مخدر در اروپا را در گروه سنی زیر ۲۵

سال ثبت کرد. افزون بر این، افسردگی فصلی که تاحدی به ماه‌های طولانی تاریکی در این منطقه از جهان نسبت داده می‌شود، به معضلی فراگیر تبدیل شده و مصرف داروهای ضدافسردگی را به سطحی بی‌سابقه رسانده است. این تناقض‌ها ما را به سؤالی بنیادین می‌رسانند: شادی چیست و چگونه می‌توان آن را سنجید؟ بر خلاف تصور رایج، گزارش شادی جهانی به دنبال شمارش لحظات شاد یا لیخنده‌های روزمره نیست. به گفته دنیل کاهنمان، روانشناس برنده جایزه نوبل، شادی احساسی زودگذر است که در لحظه‌ای سر برمی‌آورد و در لحظه‌ای دیگر محو می‌شود؛ مثل دیدار غیرمنتظره یک دوست قدیمی یا تماشای پیروزی تیم محبوب ورزشی‌تان در یک غروب زیبا اما آنچه این گزارش می‌سنجد، رضایت از زندگی است؛ حالتی پایدار که از امنیت، عدالت و حس تعلق به جامعه نشأت می‌گیرد. در فرهنگ فنلاند، مفهومی به نام سیسو (sisu) وجود دارد؛ نوعی استقامت و تاب‌آوری در برابر سختی‌ها که به شهروندان این کشور کمک می‌کند با چالش‌های زندگی، از سرمای استخوان‌سوز گرفته تا فراز و نشیب‌های اقتصادی، کنار بیایند. شاید این روحیه، همراه با زیرساخت‌های اجتماعی قوی، راز صبرنیشی فنلاند باشد. با این حال، گزارش شادی جهانی بدون نقد نیست. د کتر دنیل بنجامین، اقتصاددان رفتاری در دانشگاه کالیفرنیا، معتقد است که تأکید بیش از حد این گزارش بر تولید ناخالص داخلی سرانه، معیاری ناقص برای سنجش رفاه واقعی است. رشد اقتصادی ممکن است به قیمت تخریب

پنگه دنیا

تسلا در برابر بی‌وای‌دی: رقابتی برای

تسخیر آینده الکتریکی

نبرد غول‌های خودروسازی چین و آمریکا وارد مراحل حساس شد

رامتین لطیفی | جهان خودروهای الکتریکی به میدان رقابتی پرهیجان تبدیل شده است؛ جایی که تسلا، غول آمریکایی و بی‌وای‌دی (BYD)، ستاره چینی، برای رهبری بازار جهانی با یکدیگر به رقابت پرداخته‌اند. بی‌وای‌دی که زمانی زیر سایه سنگین تسلا بود، حالا با فناوری شارژ پنج دقیقه‌ای و قیمت‌های مقرون به‌صرفه، جایگاه خود را تثبیت کرده است. در سال ۲۰۲۴، این شرکت با درآمدی بالغ بر ۱۰۷ میلیارد دلار از تسلا که درآمدی ۹۷.۷ میلیارد دلار را ثبت کرد، پیشی گرفت و با فروش ۱.۷۶۴ میلیون خودروی تمام‌الکتریکی، فاصله‌اش با تسلا را که ۱.۷۸۹ میلیون خودرو فروخت، به حداقل رساند. این نبرد، فراتر از اعداد، به فناوری، دسترسی به بازار و نوآوری گره خورده است.

بی‌وای‌دی: سرعت، صرفه و گسترش جهانی

بی‌وای‌دی که نامش به معنای «ساخت رویاهایان» است، از تولیدکننده باتری به یکی از بزرگ‌ترین خودروسازان الکتریکی جهان بدل شده است. این شرکت در چین، با ۳۲ درصد سهم بازار خودروهای الکتریکی، پیشواز است و حالا نگاهش به بازارهای جهانی دوخته شده. مدل‌های جدید هان آل و تانگ آل، با قیمت‌های پایه ۳۰.۱ و ۳۲.۷ هزار دلار، بیش از ۱۰ هزار دلار ارزان‌تر از مدل ۳ تسلا هستند و حتی مدل لفلین با قیمت ۱۰ هزار دلار، رانندگی الکتریکی را برای توده مردم ممکن کرده است. فناوری شارژ سریع بی‌وای‌دی که ۴۰۰ کیلومتر برد را در پنج دقیقه فراهم می‌کند، برابر سریع‌تر از شارژرهای تسلا است. به علاوه، سیستم کمک‌راننده بی‌وای‌دی موسوم به «چشم خدا» که به‌صورت رایگان عرضه شده، با قابلیت‌هایی مانند پارک خودکار و ناوبری هوشمند، رقیبی برای فناوری خودران تسلا



کیوسک

ساندی مورنینگ پست در سرمقاله خود، جنگ تعرفه‌ای چند مرحله‌ای ترامپ علیه چین را آزمایشی برای آستانه تحمل این کشور برسر مسئله تایوان خواند.

<

چاینا دیلی با انتشار تصویری از شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در کنار پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا، از قول شی نوشت: «جنگ تعرفه‌های هیچ برنده‌ای ندارد.»



تجزیه



لیدی گاگا در اولین روز کولا ۲۰۲۵، جشنواره موسیقی عظیم صحرای کالیفرنیا، با اجرای حماسی و بی‌نظیر صحنه را تسخیر کرد. او با نمایش خیره‌کننده‌ای در پنج پرده، همراه با دکور گوتیک، رقصندگان پرانرژی و داستان‌سرایی بصری، تماشاگران را به سفری سینمایی برد. گاگا بار دیگر از نبرد شطرنجی در آهنگ «پوکر فیس» تا رستاخیز شخصیت «مادر هیولا» در پایان، ثابت کرد که ملکه بلامنازع اجراهای زنده است.

عکس روز

زخم‌های بلعیده شده در سکوت تاریخ

فریاد کولی‌های فرانسه برای به رسمیت شناختن نسل‌کشی هولناک خود در جنگ جهانی دوم



که گرسنگی و بیماری جان صدها نفر را گرفت. نازی‌ها همچنین آزمایش‌های پزشکی وحشیانه‌ای روی کولی‌ها، به‌ویژه کودکان، انجام دادند؛ از جمله تزریق مواد شیمیایی برای عقیم‌سازی که نسل‌های آینده را ۵۰ درصد کولی‌های اروپا نابود شدند اما نابودی عمدی اسناد توسط نازی‌ها، حقیقت را در ابهام فرو برد. برخی گزارش‌ها حاکی است که در مناطق اشغالی مانند صربستان تا ۹۰ درصد جمعیت کولی‌ها قتل‌عام شدند. دهه‌ها بعد، کولی‌های فرانسه برای به رسمیت شناختن این فاجعه می‌جنگند. کارزار «زندگی ما کولی‌ها مهم است»، به رهبری «کالکتیو زور»، با انتشار ۱۴ ویدئو از نامه‌های بی‌پاسخ نیاکان‌شان در اردوگاه‌ها، این درد را فریاد می‌زند. این نامه‌ها، درخواست‌های ناامیدانه‌ای برای نجات بودند که هرگز شنیده نشدند. آنینا چیوپو، وکیل و فعال حقوق کولی‌ها، می‌گوید: «ما فقط کرامت می‌خواهیم.» او این تلاش را در برابر رشد راست افراطی، به‌ویژه حزب «اجتماع ملی»، حیاتی می‌داند. تبعیض علیه کولی‌ها که هنوز در حاشیه جامعه‌اند، ارزش‌های انسانی را تهدید می‌کند. چیوپو

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



جدایی جنجالی رامی مالک و اما کورین پس از دو سال عشق پر حرارت!



هالیوود بار دیگر شاهد یک جدایی پر سر و صداست. رامی مالک، ستاره ۴۳ ساله فیلم «راپسودی بوهمی» و اما کورین، بازیگر ۲۹ ساله سریال «تاج» که نقش آفرینی‌های خیره‌کننده‌شان قلب طرفداران را تسخیر کرده بودند، پس از دو سال رابطه‌ای که بسیار عاشقانه به نظر می‌آمد، راه خود را از هم جدا کردند. به گزارش دیلی میل، منابع نزدیک به این زوج مدعی‌اند که آنها «مدتی است» از هم فاصله گرفته‌اند اما دلیل این جدایی همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. رامی و اما اولین بار در کنسرت بروس اسپرینگستین در جولای ۲۰۲۳ و در لندن کنار هم دیده شدند و تصاویر آنها تیتراول خبرهای زرد شد. کمی بعد، شایعات با دیدن آنها در رستورانی در کنت داغ‌تر شد؛ جایی که منابع ادعا کردند این دو «چشم در چشم» و غرق در عشق، بی‌توجه به نگاه‌های دیگران بودند. حتی خرید عمارتی میلیون دلاری در همپستد لندن، آینده‌ای روشن را برای این زوج نوید می‌داد اما حالا سرنوشت این خانه لوکس هم نامعلوم است. حالا که این دو ستاره از هم جدا شده‌اند، گمانه‌زنی‌ها درباره آینده عاطفی‌شان داغ‌تر از همیشه است. آیا این پایان ماجراست یا هنوز چیزی برای گفتن دارند؟ فقط زمان، حقیقت را فاش خواهد کرد!

این خانه لوکس هم نامعلوم است. حالا که این دو ستاره از هم جدا شده‌اند، گمانه‌زنی‌ها درباره آینده عاطفی‌شان داغ‌تر از همیشه است. آیا این پایان ماجراست یا هنوز چیزی برای گفتن دارند؟ فقط زمان، حقیقت را فاش خواهد کرد!

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیر شاهی
مدیر هنری و: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلبلی

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
منعوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: خدای اقتصاد تابان | جاب: جام جم

اذان صبح: ۰۴:۰۴ | طلوع آفتاب: ۵:۳۲ | اذان ظهر: ۱۲:۰۴ | غروب آفتاب: ۱۸:۳۶ | اذان مغرب: ۱۸:۵۵

یادداشت

عقب ماندگی دیجیتا

فرصتی که با ثانیه ها می سوزد



سهاام الدین بورقانی

روزنامه‌نگار

اواسط دهه ۷۰، زمانی که استفاده از کامپیوتر و اینترنت با سرعتی باورنکردنی در حال گسترش بود، این جمله مدام تکرار می‌شد: «کسی که بلد نباشد با کامپیوتر کار کند، بی‌سواد است.» در آن سال‌ها و حتی تا مدتی بعد، هنوز می‌شد به «انسان»‌های دیگر متکی بود. ارتباطات و پردازش رایانه‌ای هنوز به سطح گوشی‌های هوشمند و هوش مصنوعی نرسیده بود اما از زمانی که رزمه‌های یادگیری ماشینی، هوش مصنوعی، شبکه‌های عصبی مصنوعی و قدرت استدلال ماشینی به میان آمد، سناریوی تازه‌ای پیش روی انسان معاصر قرار گرفت. سناریویی با سرعت تحولات و پیچیدگی‌هایی حیرت‌انگیز که دیگر نه با سال و ماه، بلکه با لحظه و ثانیه سنجیده می‌شود. کوچک‌ترین درنگ، می‌تواند ما را از قافله عقب بیندازد و حتی از صحنه رقابت حذف کند.

در دو سه سال اخیر، با دسترسی عمومی به پلتفرم‌ها و اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی، کشورهای توسعه‌یافته مسیر خود را به‌وضوح مشخص کرده‌اند اما ما در ایران همچنان در پیچ‌وخم‌های ابتدایی این مسیر گرفتار مانده‌ایم. بر خورد دولت و نهادهای رسمی نیز عمدتاً کلیشه‌ای و نمایشی است: از «کلید خوردن هوش مصنوعی در دولت» گرفته تا «تأکید فلان مقام بر هوشمندسازی» که دردی را دور نمی‌کند. در میان کاربران عادی نیز، کاربردهای سرگرم‌کننده، تصویرسازی، پرسش‌وپاسخ و استفاده محدود از قابلیت‌های راستی‌آزمایی آن در صدر قرار دارد. در حالی که دنیا با سرعت در حال بهر برداری عمیق از این فناوری است.

بیوالم نوح هراری، تاریخدان و نویسنده، با وجود برخی دیدگاه‌های چالش‌برانگیز، اشاره می‌کند: «قدرت، برای نخستین بار در تاریخ، از انسان‌ها در حال جدا شدن است. ما چیزی ساخته‌ایم که قدرت را از ما می‌گیرد و این اتفاق چنان سریع رخ می‌دهد که خیلی‌ها اصلاً متوجه‌اش نیستند.»

بدون تردید، تحريم‌ها، ضعف زیر ساخت‌ها و کمبود سرورهای پردازشی قوی، موانع مهمی برای توسعه هوش مصنوعی در ایران هستند. با این حال، نهادهای مدنی، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های واقعاً دانش‌بنیان می‌توانند با جدیت و سرعت بیشتری وارد این عرصه شوند؛ حوزه‌ای که به‌زودی افسار تحولات بشری را در دست خواهد گرفت. از مدیریت منابع، خدمات عمومی، کاهش مصرف آب در کشاورزی، پزشکی، آموزش، صنعت خودرو تا پردازش زبان فارسی، همگی حوزه‌هایی هستند که می‌توان هوشمندسازی را به‌سرعت در آن‌ها پیاده کرد.

نخستین‌هایی‌بی‌ثمر و گفت‌وگوهای بی‌پایان درباره پدیده‌ای که هر لحظه در حال دگرگونی‌است، راهگشا نخواهد بود. گزارش‌هایی که ایران را در رتبه‌های بالای هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، چاپ سه‌بعدی، ۵G، رباتیک، کلان‌داده، بلاک‌چین و فناوری پهپادها در میان کشورهای اسلامی معرفی می‌کنند، به‌راحتی قابل پرسش و تردیدند. چند درصد کاربران ایرانی به ۵G دسترسی واقعی دارند؟ اینترنت اشیا در کدام بخش زندگی روزمره ما به‌طور ملموس حضور دارد؟ رباتیک چه اثر ملموسی در ارتقای رفاه عمومی داشته‌است؟ اگر از حمایت دولتی صرف‌نظر کنیم، بخش خصوصی بارها نشان داده که برای نوآوری، نیازی به چراغ سبز دولت ندارد. با وجود تمام تنگناهای اقتصادی و فنی، خلاقیت راه خودش را پیدا می‌کند. فقط باید این بار یک چیز را جدی بگیریم؛ مسئله این است که این بار، زمان علیه ماست، علیه انسان.

خبر

جنای‌نویس مشهور انگلیسی در گذشت

پیتر لاوسی، جنای‌نویس و خالق آثار معمایی پس از ابتلاء به سرطان پانکراس در خانه خود در شروسبری انگلستان در سن ۸۸ سالگی از دنیا رفت. پیتر لاوسی که سال ۱۹۳۶ در میدلسکس انگلستان به دنیا آمد، سال ۱۹۵۵ وارد دانشگاه ری‌دینگ شد تا در رشته هنرهای تجسمی تحصیل کند،اما همان سال اول تحصیلی‌اش با تشویق یک استاد زبان انگلیسی که تحت تأثیر یکی از مقاله‌های وی قرار گرفته بود. او یک دهه به عنوان معلم به تدریس پرداخت و کارش را به عنوان نویسنده جنایی پس از آن آغاز کرد که در اولین مسابقه رمان که توسط انتشارات مک میلان ا پنتر برگزار شد، موفق شد. وی در طول ۶ دهه نوشتگی ۴۳ رمان منتشر کرد. از میان ۵ رمان جنایی مستقل وی رمان «بازرس دو تقلبی» برنده جایزه خنجر طلایی CWA (انجمن جنایی‌نویسان) شد و در فهرست ۱۰۰ رمان جنایی برتر تمام دوران جای گرفت. وی ۸ رمان جنایی دوره ویکتوریایی هم نوشته که شخصیت اصلی آن گروهبان کریب است واز سال ۱۹۷۹ در قالب سریالی برای تلویزیون ساخته شد. ۳ رمان وی با تمرکز بر شخصیتی به نام برتی، شاهزاده ولز شکل گرفته و ۲ مان از سری نه مالین و ۳ رمان با نام مستعار پیتر لیر هستند. ۲۲ رمان وی با شخصیت مرکزی پیتر دایموند خلق شده‌است که اولین آن رمان کلاسیک برنده جایزه آنتونی و رمان پایانی تلخ آن «علیه دانه‌ها» سال ۲۰۲۴ است.

«داستان ندیمه»، روایتی ترسناک از زن‌ستیزی ساختارمند در دنیایی نه‌چندان دور از ما

سرنوشت زنان در جهانی بی‌رحم

داستان ندیمه دیگر از تخیل دور شده و شباهت زیادی به واقعیت پیدا کرده است



یاسمن طاهریان مترجم و روزنامه‌نگار

به‌دست گر فته‌اند، زندانی شده، طبق مراسمی آئینی مورد تجاوز قرار می‌گیرد و مجبور به وضع حمل است. ابروهای ماس در التماس‌های وحشت‌زده خود مقابل کارگزاران گیلیاد برای طلب بخشش، رازداری و کمک به او برای فرار از گیلیاد در هم می‌روند. دهان او هنگامی که با مجازات‌های ابدعی و وحشیانه مثل قطع عضو زنان، کور کردن، سوزاندن، به غل و زنجیر بسته شدن، شلاق خوردن، عقیم شدن، غرق شدن، آویزان شدن و پر تاب از پشت‌بام‌ها رویه‌رو می‌شود، از ترس و خشم به‌هم می‌پیچد. فک او از خستگی ناشی از شوک تماشای «دستگیری، شکنجه و کشته شدن هم‌راهان خود به لرزه می‌افتد.

استفاده کرد اما این سریال بارها و بارها تمدید شد. تقریباً یک دهه پس از فصل اول، «داستان ندیمه» همچنان خشونت منحصر به خود را حفظ کرده اما نظریه‌های روایی اولیه خود را کنار گذاشته است. کاراکترها همواره تصمیماتی می‌گیرند که با ارزش‌ها و انگیزه‌های آنها همسو نیست و به روابط (ومکان‌هایی) برمی‌گردند که تمام پتانسیل خود را در آنها مصرف کرده‌اند. همانند فصل اول روایت اصلی داستان حول جاذبه و کشش جون به نیک، راننده‌ای که در گیلیاد به سمت فرمانده ارتقا پیدا می‌کند با بازی مکس مینگلا، شخصیتی کم حرف و گنگ می‌چرخد که ظاهراً قادر به القای تمام فداکاری‌های خودویران‌گری که داستان از او می‌خواهد، نیست.

دونگان می‌نویسد بزرگ‌ترین مشکل نویسندگان پیدا کردن بهانه‌هایی برای بازگرداندن کاراکتر الیزابت ماس به گیلیاد پس از فرار به کاناداست. در فصل‌های اول، جون در زمان‌هایی که فرصتی پیش می‌آمد به‌طور مرتب از ترسک گیلیاد امتناع می‌کرد اما در نهایت در فصل ۴ به کانادا فرار می‌کند و نویسندگان به دنبال راه‌های جدیدی

در ساحل دلچسبش در این بهار دلکش. نزدیک‌های ساعت ۱۹ بود که رسیدم اول ۳۳ پل. آن‌هم پس از رهایی از یک راه‌بن‌دان طولانی و نفسگیر. علت راه‌بن‌دان هم یک چیز بود: زاینده رود، مردم اصفهان از گوشه و کنار به شوق نفس کشیدن کنار زنده رود آرام و رام راه را بند آورده بودند و شهر را حسایی شلوع کرده بودند. رسیدم اول ۳۳ پل. وای چه جمعیتی، باور کن در عمرم این همه جمعیت روی ۳۳ پل و در حاشیه رودخانه ندیده بودم. هوا مسیح نفس بود و باقه نافه گشا. جوانان اصفهانی در گروه‌های چهل پنجاه

نفری گرد هم جمع شده بودند، ترانه و سرود می‌خواندند و شادی می‌کردند. خانواده‌ها پشت سر هم عکس خانوادگی می‌گرفتند. بازار خویش‌اندازا و تولید محتوا حسابی گرم بود. به سال‌های دانشجویی برگشتم که روز روز پیاده از روی ۳۳ رد می‌شدم برای رسیدن به دانشگاه. سال‌هایی که زاینده رود موج بود و پر خروش. آن سال‌ها هرگز این همه جمعیت مشتاق ندیده بودم. زاینده رود یک رودخانه نیست. بخشی‌از هویت اصفهان و بخشی از فرهنگ ایران است. رودخانه‌ای که به محض ورود

به اصفهان آن قدر زیبا ترزین شده که آرامش چنین ساحلی را بعید است بتوان در جهان پیدا کرد. زنده رود با خودش زندگی می‌آورد، امید می‌آورد و از همه مهم‌تر شادی سالم می‌آورد. گمشده‌ای که سال‌هاست معلوم نیست کجاست. از زاینده رود ممنونم که این شادی جمعی و سالم را هر چند کوتاه به اصفهان آورد. مدیران و تصمیم‌گیران این خاک بیابند و بی‌باله تبدیل شده، دمو کراسی در دوران ریاست‌جمهور دونالد ترامپ فرسوده شده است. حق سقط جنین

چهره روز

امروز سی سال از وداع

با «محمدجواد مشکور» گذشت

سع‌ی مشکور*



حمیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار

«محمدجواد مشکور» در شناساندن فرهنگ ایران به محافل عربی جدید نقش داشت و جایگاه‌اش در محافل رسمی و غیر رسمی عرب زبان نشان‌دهنده توفیق اوست.

کاظم موسوی بجنوردی

از نادره کاران روزگار ما بود. بر چند زبان احاطه داشت و به‌عقیده روزه بر زرین کسوب؛ «حوزه» علایق بسیار گسترده داشت؛ ادبیات اوستایی و فارسی میانه، متون منشور و منظوم کهن فارسی، دستور زبان فارسی، زبان‌های کهن سامی تا تاریخ ملل و نحل و فرقه‌های اسلامی و تاریخ ایران و جهان اسلام». «محمدجواد مشکور» روحانی‌زاده و اهل محله دیباغ‌خانه سنگلج بود که «به‌دانشکده معقول و منقول رفته و سپس وارد دانشسرای عالی شدم و توانستم در اسال ۱۳۱۸ در آدبیات عرب و زبان و ادبیات فارسی لیسانس بگیرم.» ۹ سال در دبیرستان‌های ملی و همچنین وزارت دارایی فعالیت کرد و درهمین اثنا، «در سال ۱۳۲۴ به همکاری مرحوم علامه علی‌اکبر دهخدا در کار لغتنامه دعوت شدم» تا آن‌که «در سال ۱۳۲۷ برای تدریس تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی به دانشگاه تبریز دعوت شدم و تا سال ۱۳۸۸ عضو هیأت علمی آن دانشگاه بودم.» و البته در این فاصله مدتی به دانشگاه سوربن رفت و «در سال ۱۳۳۶ د کترای خودم را در تاریخ اسلام و خاورمیانه گرفتم.»

اما یکی از برهه‌های جالب زندگی مشکور در سال ۱۳۴۰ رقم خورد، آن‌هم وقتی که «مجله‌ای را به نام «الآخاء» [در موسسه اطلاعات] تالسیس کردم. مطالب آن هم مربوط به روابط فرهنگی و دینی بین ایران و ممالک اسلامی بود.» فعالیت مطبوعاتی او تا چهار سال تداوم یافت «تا این‌که در سال ۱۳۵۲ با سمت آنخستین [ارزین فرهنگی عازم دمشق پایتخت کشور عربی سوریه شدم» و از قضا در این مدت با اقداماتی چون «تاسیس آدو کرسی



تموم کرد یا نه، وضعیت توپ شده. به نظرت چقدر انگلیسی بلد باشی می‌شه رفت تو کار زعفرون؟» می‌گویم نمی‌دانم و حواسم را حسایی جمع کرده‌ام که نگویم بچه قانتم. می‌پرسم چرا شما خودت زبان یاد نمی‌گیری؟ می‌گوید: «من س‌ر از زعفرون و خشکبار در نیمازم. برم اونجا که چی؟» می‌گویم یک عالمه کار هست. همین رانندگی. می‌گوید: «نه. اوپر اسکودنش زیاده، نمی‌صرف. می‌خوام برم یک بگیرم به تیکه زمین بفروشم بی‌قیمت تو جاده. هم کمتر با نه بچه تو سر هم می‌زنیم هم پام اونور برسه می‌تونم پول بفروشم اپنا رو هم ببرم.» می‌گویم مگر نه که با مادر بچه نمی‌سازی.د. اگر بروید با هم که در‌دسر دارد. می‌گوید: «نه آقا. اونجا هواش یسه جو‌ریه که آدم‌ها س‌بره‌راه می‌شن. بلکه این کرخ‌ره هم آدم شد رفت یه زبونی یاد گرفت به کار حسایی جور کرد.» می‌رسیم.

قشنگ‌تر از این کوفتی است که من از سریال فرندز یاد گرفته‌ام. می‌گوید: «خب حالا اونجا نه برو آلمان.» ساعت سه و نیم صبح است و از این بهتر نمی‌شود. می‌پرسم بروم چکاره بشوم. اینجا همه فارسی بلدند و تازه کتاب‌های ما را نمی‌خوانند. وایلا به آنجا. تا می‌ایم باز ایز گم کنم و ببرسم مگر آلمان چه خبر است خودش می‌گوید: «من به دختر دایی دارم که پسرش رفته آلمان. تابستونی بلیت خرید واسه همه‌شون رفتن تر کیه دیدنش، عشق دنیا رو کردن برگشتن. بیا عکساشون روببین.» می‌بینم و می‌پرسم پسره چکاره است. می‌گوید: «نمی‌دونم. خشکبار و اپنا. از ایران زعفرون می‌ره اسپانیا می‌فروشه.» می‌گویم بسیار. کار نیکی است و لابد پول بارو می‌کند. می‌گوید: «آره. اینجا مدرک مهندسی‌اش رو گرفت پذیرش دادن رفت آلمان. در‌سش رو نمی‌دونم

یک دقیقه با زندگی

زندهرودای امتداد زندگی



سعید بیابانکی

شاعر

آخر هفته پیش از تهران ۴۵۰ کیلومتر کوئیدم رفتم اصفهان. کار خاصی نداشتم. تنها انگیزه‌ام دیدن زاینده رود. زیبا بود و قدم زدن

داستان زمانه ما

بین سه و چهار



علی مجتهدزاده

مترجم

آقای اسنپیی از م می‌پرسد: «شما چکاره‌ای؟» می‌گویم مترجم. می‌پرسید: «یعنی چی؟» برایش تعریف می‌کنم که یک شیر پاک‌خورد‌ای کتابی را به زبان انگلیسی جور می‌کند می‌دهد دم پر من و من می‌نشینم تا سوادم بگذار د فارسی‌اش می‌کنم. باز می‌پرسد: «یعنی الان زبان بلدی؟» می‌گویم البته تعریف اینکه بلد هستم هم نسبی است و باید در سطح دیگری سنجیده شود و می‌پرسد: «نفهمیدم الان بلدی یا نه؟» می‌گویم آنقدر که او فکر می‌کند شاید نه ولی بلدم. می‌پرسد: «یعنی الان بلدی انگلیسی حرف بزنی؟ یعنی الان یسه خارجی ببینی می‌تونی ازش ببرسی از کجا اومده؟» می‌گویم آنقدر را که بچه‌های دبیرستان هم بلدند ولی می‌گوید: «نه! کجا بلدن؟ این کرخ‌مر خن که اندازه گاو بلد نیست انگلیسی. هی بهش گفتم بیا یاد بگیر از این مملکت برو. تو کتش نرفت. الان مونده بیخ ریش مون. تالنگ ظهر می‌خوایه.» گفتم حالا معلوم هم نیست که اگر انگلیسی بلد بود می‌توانست برود. می‌گوید: «الان خود شما چرا نمی‌ری؟ تو که اینقدر انگلیسی‌ات خوبه؟» می‌گویم بروم کجا؟ می‌گوید: «چه می‌دونم انگلستان مثلاً.» می‌گویم خب آنجا زباله‌گردشاه انگلیسی را فصحیح‌تر از من بلدند و تازه لهجه‌شان هم

عکس نوشت

اینجا خانه باقرخان سالار ملی است که این روزها به خرابه تبدیل شده است. خبرگزاری مهر با انتشار یک گزارش تصویری از این خانه توضیح داده است: خانه تاریخی منتسب به باقرخان، سالار ملی از قهرمانان جنبش مشروطه ایران با وسعت ۴۸۵۰ متر مربع در تبریز رها شده و احتمال فرو ریختن آن به دلیل فرسایش بنا افزایش یافته است.

